



67

Vol. 18
Summer 2025
P.P: 229- 265

Research Paper

Received:
2024-08-28
Revised:
2025-05-17
Accepted:
2025-05-19
Published:
2025-05-19

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Analysis and Examination of the Impact of Artificial Intelligence on the Strategic Depth of Countries

Majid Dehghanian¹ | Ebrahim Rumina² | Mohammadreza Hafeznia³ | Mostafa Ghaderi Hajat⁴

Abstract

Precise policymaking and the adoption of a comprehensive and targeted strategy in the realm of foreign policy are among the fundamental needs of nations. Countries, based on their capacity to exert power, are inclined to expand their sphere of influence and enhance their role in their surrounding regions, aiming to impact them significantly. It can be argued that the scope of this influence has now extended beyond purely military domains and encompasses a wide range of components that shape the concept of strategic depth. Artificial intelligence (AI), as one of the foundational developments of the current era, holds significant potential to bring about fundamental changes in all aspects of human life. In the realm of politics and national security, AI, by offering new capabilities across various domains, has transformed the traditional definition of power and turned strategic depth into a multidimensional concept. This research, conducted using a mixed-method approach (descriptive and analytical, with documentary and statistical study methods), first identifies and ranks the components of strategic depth. The findings suggest that AI impacts strategic depth by improving information analysis and event prediction, enhancing strategic decision-making, strengthening public diplomacy, improving cybersecurity, and fostering international cooperation.

Keywords: Strategic depth, geopolitics, artificial intelligence. National Power, Precise Policymaking

1. PhD Student in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Email: majid.dehghanian@modares.ac.ir
2. Corresponding Author: Associate Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Email: e.rumina@modares.ac.ir
3. Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: hafezn_m@modares.ac.ir

DOR: 00000000000000000000

4. Associate Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Email: m.ghaderihajat@modares.ac.ir DOR: 00000000000000000000

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



تحلیل و بررسی تاثیر هوش مصنوعی بر عمق استراتژیک کشورها

مجید دهقانیان^۱ | ابراهیم رومینا^۲ | محمدرضا حافظ^۳ | مصطفی قادری حاجت^۴

چکیده

سیاست‌گذاری دقیق و اتخاذ استراتژی جامع و هدفمند در عرصه سیاست خارجی یکی از نیازهای اساسی کشورهاست. کشورها بر اساس ظرفیت‌های اعمال قدرت، به گسترش حوزه نفوذ و افزایش نقش در منطقه یا مناطق پیرامونی خود و تأثیرگذاری بر آن علاقه‌مند هستند و می‌توان گفت، امروزه دامنه این تأثیرگذاری، از حوزه صرف نظامی خارج و شامل طیف وسیعی از مؤلفه‌ها می‌شود که مفهوم عمق استراتژیک را شکل می‌دهد. هوش مصنوعی به عنوان یکی از تحولات بنیادین عصر حاضر، پتانسیل بالایی برای ایجاد تغییرات اساسی در تمامی جنبه‌های زندگی بشر دارد. در حوزه سیاست و امنیت ملی نیز، هوش مصنوعی با ارائه قابلیت‌های جدید در حوزه‌های مختلف، تعریف سنتی از قدرت را تغییر داده و عمق استراتژیک را به مفهومی چندبعدی تبدیل کرده است. این پژوهش با روش ترکیبی (توصیفی و تحلیلی، باروش مطالعه اسنادی و آماری) انجام گرفته است که ابتدا مولفه‌های عمق استراتژیک را شناسایی و رتبه‌بندی کرده است و در یافته‌ها نیز معتقد است که بهبود تحلیل اطلاعات و پیش‌بینی رویدادها، ارتقای تصمیم‌گیری استراتژیک، تقویت دیپلماسی عمومی، بهبود امنیت سایبری و تقویت همکاری‌های بین‌المللی از تأثیرات هوش مصنوعی بر عمق استراتژیک کشورهاست.

کلیدواژه‌ها: عمق استراتژیک، ژئوپلیتیک، هوش مصنوعی، قدرت ملی، سیاستگذاری دقیق.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

majid.dehghanian@modares.ac.ir

۲. نویسنده مسئول دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

E-maile.rumina@modares.ac.ir

۳. استاد جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران E-mail

hafezn_m@modares.ac.ir

DOR: 0000000000000

۴. استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران E-mail:

m.ghaderihajat@modares.ac.ir



بیان مسئله

یکی از مسائل اساسی که نقش مهمی در قدرت ملی، جایگاه و منزلت ژئوپلیتیکی و در نهایت سرنوشت نهایی کشور دارد، مفهوم عمق استراتژیک است. در جهان کنونی که رقابت و تعامل میان بازیگران سیاسی و اقتصادی برای حفظ و ارتقای منافع ملی، برقراری امنیت، بهره‌گیری از فرصت‌ها، به جهت بالا بردن سطح رفاه و برخورداری از امتیازات از اولویت بالایی برخوردار است. نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و اتخاذ استراتژی جامع و هدفمند در عرصه سیاست خارجی هستیم. درواقع استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ در مناطق ژئوپلیتیکی جهان تابع متغیرهای مختلفی است. این قدرت‌ها در تمام کره زمین به دنبال پایداری و حفظ برتری بوده و این روش را به واسطه ابزارهای مختلفی اعمال می‌نمایند (Roumina & Bidar, 2018: 1) در عرصه روابط بین‌الملل کشورها بر اساس ظرفیت‌های اعمال قدرت، به گسترش حوزه نفوذ و افزایش نقش در منطقه یا مناطق پیرامونی خود علاقه‌مند هستند (Pourahmad, 2009:197).

در این میان کشورهای دارای قدرت یکی از مهم‌ترین الزامات خود را به‌منظور تدوین الگوی امنیتی مبتنی بر عوامل راهبردی، عمق بخشیدن به عوامل فضا و نقاط استراتژیک در حوزه‌های پیرامونی خود می‌دانند. این موضوع تحت عنوان عمق استراتژیک در ادبیات روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، مسائل استراتژیک و مسائل نظامی مطرح می‌گردد. با تأمل دقیق بر این اصطلاح می‌توان دریافت که عمق استراتژیک معنای نظامی فنی دارد؛ اما در یک مفهوم گسترده‌تر، وضوح و عمق تفکر استراتژیک را نیز نشان می‌دهد (Cropsey:2014).

همچنین اهمیت حضور و نفوذ در ورای مرزهای ملی و اتخاذ سیاست تعمیق عمق استراتژیک امروزه به‌عنوان یکی از راهبردهای مهم و اساسی دولت‌ها برای تأمین نیازهای امنیتی، راهبردی، سیاسی و اقتصادی کشورشان هست. عمق استراتژیک از مسائلی است که ممکن است آثار آن در لحظه نمایان نباشد به قول فریدمان «عمق استراتژیک در درازمدت بسیار حیاتی است» (Friedman:2020).

به‌طور کلی، یکی از موضوعات حیاتی برای هر کشوری، توجه به عمق استراتژیک است؛ اما سؤال این است که این مفهوم چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دقیقی دارد؟ رابطه عمق استراتژیک

کشورها و هوش مصنوعی چگونه است؟ در این پژوهش با توجه به اینکه هوش مصنوعی به عنوان محرک اصلی تحولات تکنولوژیک قرن بیست و یکم، مفهوم سنتی قدرت را به چالش کشیده است، به بررسی تأثیر این فناوری بر عمق استراتژیک کشورها پرداخته می‌شود. از یک سو، هوش مصنوعی با ارائه قابلیت‌های جدید در حوزه‌های مختلف، فرصت‌های بی‌نظیری را برای افزایش توانایی‌ها و بهبود عملکرد دولت‌ها فراهم می‌کند. از سوی دیگر، این فناوری تهدیدات جدی برای امنیت ملی کشورها ایجاد کرده و مفهوم سنتی قدرت را به چالش کشیده است. این مقدمه ما را به این سؤال می‌رساند فرصت‌ها و تهدیدات عمق استراتژیک کشورها در عصر هوش مصنوعی کدامند؟

مبانی نظری

استراتژی بیشتر تداعی کننده یک مفهوم نظامی است تا سیاسی (Pourshirmohammadi & Hedayati, 2024: 147). بنابراین تعریف ابتدایی از عمق استراتژیک در علوم و فنون نظامی، فاصله بین خط مقدم محتمل و مناطق حیاتی اقتصادی و سیاسی را مدنظر دارد که همچنان برای تصمیم‌گیرندگان حائز اهمیت است. استون^۱ بر این باور است که عمق استراتژیک به ظرفیت‌های زمینی و مکانی - نظامی یک کشور اشاره دارد، به‌طوری‌که یک کشور با وسعت زیاد می‌تواند در برابر حملات دشمن از خود دفاع کند و فرصتی برای تفکر و تصمیم‌گیری نظامی داشته باشد. همچنین، در اختیار داشتن ابزارهای نظامی چون موشک‌های دوربرد و موقعیت‌های مناسب برای پرتاب این سلاح‌ها به‌منظور آسیب‌رسانی به دشمن نیز جزو این ظرفیت‌هاست (Easton: 2013). کروپسی^۲ در تحلیل خود از عمق استراتژیک، به‌خصوص در مورد رژیم صهیونیستی، این مفهوم را به‌عنوان ضرورت وجود یک فاصله فیزیکی میان تهدیدات و نقاط حساس برای محافظت توصیف کرده است (Cropsey: 2014). از دیدگاه هارکاوی^۳، عمق استراتژیک مرتبط با بعد دفاعی و نظامی است؛ او این مفهوم را به فاصله میان خطوط مقدم و مناطق جنگی از یک سو و مناطق

1 Easton

2 Cropsey

3 Harkavy

صنعتی، پایتخت و شهرهای بزرگ، نواحی مهم و مرکزی، همچنین مراکز اصلی جمعیتی و تولید نظامی از سوی دیگر تعریف می‌کند (Harkavy: 2001).

هوش مصنوعی: هوش مصنوعی نوعی فن‌آوری و شاخه‌ای در علوم رایانه و مطالعه و توسعه نرم‌افزارها و علم و مهندسی ساخت دستگاه‌های هوشمند است. در سال‌های اخیر بحث و گفتگو درباره هوش مصنوعی بسیار جدی شده است. درک شرایط پیچیده، شبیه‌سازی فرایندهای تفکری و شیوه‌های استدلالی انسانی، توانایی یادگیری و کسب دانش و استدلال برای حل مسائل و در چشم‌اندازی کلان، توانایی یک سیستم برای انجام وظایفی مانند یادگیری، برنامه‌ریزی و توانایی تعمیم دادن از دلایل اهمیت یافتن جایگاه هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی در بسیاری از نقاط جهان تحولاتی را در حوزه عمومی و در فرآیندهای آموزش و مالیات، در زمینه شهرهای هوشمند، سیستم‌های قضایی و کارزارهای انتخاباتی و همچنین در بخش‌های بیمه، بانکداری و سایر بخش‌های تجاری ایجاد کرده است. در واقع، هوش مصنوعی یکی از اجزای اصلی «انقلاب» در حال ظهور در تولید کالاها به نام انقلاب صنعتی چهارم^۱ باشد، مفهومی که ترکیبی از اینترنت اشیا، داده‌های بزرگ، رسانه‌های اجتماعی، محاسبات ابری، حسگرها، هوش مصنوعی، رباتیک و کاربرد ترکیبی از این فن‌آوری‌ها در تولید، توزیع و استفاده از کالاهای فیزیکی است (Nazari, 2024: 56).

تعریف پیشنهادی عمق استراتژیک

در دنیای پیچیده و متغیر امروز، مفهوم عمق استراتژیک به یکی از کلیدی‌ترین مباحث در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی تبدیل شده است. با توجه به تغییرات سریع فناوری، تحولات جهانی و ظهور تهدیدات جدید، نیاز به تجدیدنظر در تعریف و نحوه کاربرد این اصطلاح بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در این راستا، ارائه یک تعریف جدید از عمق استراتژیک ضروری است. بنابراین تعریف پیشنهادی عبارت‌اند از:

« فضای جغرافیایی است که با کنترل فرآیندها و فرآوری ظرفیت‌های موجود در آن بقا و امنیت ارزش‌های حیاتی مادی و معنوی یک کشور را تضمین می‌کند. »
این تعریف از عمق استراتژیک به چهار بعد کلیدی اشاره دارد که هرکدام نقش مهمی در تضمین امنیت و بقا یک کشور ایفا می‌کنند:

الف: تأکید بر فضای جغرافیایی

فضای جغرافیایی کشور شامل سرزمین اصلی، مناطق پیرامونی و منابع طبیعی است. این بُعد بر اهمیت استراتژیک مکان‌ها و منابع در بقا و تأمین امنیت کشور تأکید دارد.

ب: کنترل فرآیندها

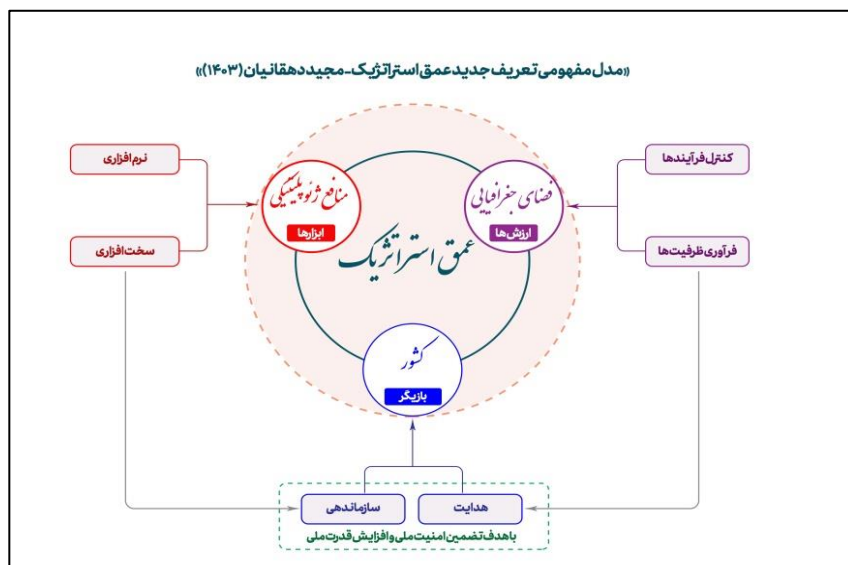
این مفهوم به قدرت یک کشور در مدیریت و هماهنگی منابع خود و واکنش به تهدیدات اشاره دارد. عمق استراتژیک به توانایی یک کشور در سیاست‌گذاری مؤثر و پاسخگویی به چالش‌ها بستگی دارد و تنها محدود به ابزارهای نظامی نمی‌شود.

ج: فرآوری ظرفیت‌ها

این بُعد به توانایی کشور در بهره‌برداری و بهینه‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی، انسانی، فرهنگی، علمی و دفاعی اشاره دارد. کشورها باید توانایی خود را در تبدیل منابع به ارزش‌های مفید و تأثیرگذار اثبات کنند.

د: بقا و امنیت ارزش‌های حیاتی

این بُعد اشاره دارد که عمق استراتژیک نه تنها شامل امنیت فیزیکی بلکه حفظ هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی نیز می‌شود. به طور کلی، این تعریف از عمق استراتژیک با نگاهی جامع به ابعاد مختلف جغرافیا، فرآیندها و ظرفیت‌ها، تصویری روشن از چگونگی حفظ امنیت و بقا یک کشور ارائه می‌دهد. بنابراین، این تعریف می‌تواند به عنوان یک مبنای مناسب برای تحلیل و بررسی ابعاد جدید عمق استراتژیک در برابر چالش‌های کنونی و آینده استفاده شود.



شکل ۱. مدل مفهومی تعریف پیشنهادی عمق استراتژیک
منبع: نگارنده

پیشینه پژوهش

نوع اثر	عنوان اثر	سال انتشار	نویسنده
کتاب	STRATEGIC DEPTH: TURKEY'S INTERNATIONAL POSITION	2001	Ahmet Davutoğlu
اوغلو در این کتاب و در سه بخش، به ترتیب چهارچوب مفهومی و تاریخی، مؤلفه‌های قدرت و طراحی راهبردی، موقعیت ترکیه در صحنه جهانی و سیاست‌های ترکیه در جغرافیای سیاسی را بررسی می‌کند و در نهایت مدل خود را معرفی می‌کند			
مقاله	Strategic Depth or Hegemonic Depth? A Critical Realist Analysis of Turkey's Position in the World System	2012	Faruk Yalvaç
نویسنده در این مقاله تلاش دارد یک تحلیل واقع گرایانه انتقادی از مفهوم «عمق استراتژیک» ارائه دهد که بر تفکر ژئوپلیتیکی استوار شده است. نویسنده در این مقاله به مفهوم عمق هژمونی هم اشاره می‌کند و			

تفاوت آن را با مفهوم عمق استراتژیک بیان می‌کند.			
مقاله	Strategic Depth Through Enclaves: Iran, Syria, and Hezbollah	2021	Robert Mason
نویسنده در این مقاله روابط دوجانبه ایران با دولت سوریه، اسد و حزب الله را در چارچوب به اصطلاح محور مقاومت، به عنوان هدف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای افزایش عمق استراتژیک خود در سوریه پس از شروع درگیری در سال ۲۰۱۱، مورد بررسی قرار داده است			
مقاله	تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه	۱۳۹۶	ناصر پورحسن
در این مقاله، نویسنده به تحلیل موقعیت و وضعیت ایران با توجه وضعیت ۶ سال قبل داشته است. نویسنده بر این باور است که عمق راهبردی ایران از عمق راهبردی نرم در حال تبدیل شدن به عمق راهبردی هوشمند است نویسنده اظهار می‌کند که عمق راهبردی هوشمند ترکیبی از عمق راهبردی نرم و قدرت هوشمند خواهد بود که در برخی از کشورها مانند عراق به سرانجام رسیده و در برخی از کشورها مانند سوریه و یمن در حال آزمون است.			
رساله دکتری	تأثیر امنیت هستی شناختی ج.ا.ایران بر عمق استراتژیک آن در غرب آسیا (۲۰۱۱-۲۰۲۲)	۱۴۰۱	محمد ابراهیمی
نویسنده در این رساله دکتری به دنبال پاسخ به این سوال است که برداشت هستی شناسانه از امنیت چطور توانسته است بر عمق استراتژیک ایران تأثیر بگذارد، بر اساس مبانی هویتی و همچنین تاریخی و استفاده از متن قانون اساسی و عقاید رهبران جمهوری اسلامی را بررسی کرده است و در نهایت بر این باور است که عمق استراتژیک ارتباط مستقیمی با امنیت هستی شناسانه در ایران دارد و اهمیت این نوع امنیت و تهدیداتی که در منطقه وجود دارد ایران را وادار به اتخاذ چنین استراتژی کرده است.			
مقاله	تأثیر هوش مصنوعی بر ماهیت جنگ‌ها از منظر سیاست‌های راهبردی دولت‌های آمریکا، چین و روسیه	۱۴۰۳	مرتضی نورمحمدی تیرداد تقی‌پور جاوی
نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از منظر این سه دولت، هر سه شاخص ماهیت جنگ کلاوزویتس تحت تأثیر هوش مصنوعی دچار تغییرات مثبت و منفی می‌شود. تغییراتی که موجب تحول ابزار، شیوه‌ها و ویژگی‌های			

جنگ بین دولت‌ها می‌شود و این تحول، بازتعریف راهبرد امنیتی دولت‌ها برای مواجهه با تهدیدات در فضای جدید نظام بین‌الملل را بیش از پیش ضروری می‌سازد.			
مقاله	هوش مصنوعی و تحول بنیادین در سیاستگذاری‌های امنیتی - دفاعی: درک جایگاه امنیت انسانی	۱۴۰۳	علی اشرف نظری
نویسنده به این نتیجه رسیده است که با توجه به اینکه استفاده از تجزیه و تحلیل در مقیاس بزرگ از تجزیه و تحلیل داده‌ها و تصمیم‌گیری مدیریتی پشتیبانی می‌کند، پذیرش فناوری‌های جدید نقشی حیاتی در تصمیم‌گیری در سطوح سازمانی و فردی حوزه امنیت ایفا می‌کند.			

تحلیل و بررسی پیشنهادها نشان می‌دهد که پژوهشی که مستقیماً به تاثیر هوش مصنوعی به عمق استراتژیک کشورها پردازد وجود ندارد، بنابراین این پژوهش از این حیث نو محسوب می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، در زمره پژوهش‌های نظری محسوب می‌شود. این تحقیق به روش آمیخته انجام شده است. داده‌های مربوطه از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز پایگاه‌های رایانه‌ای گردآوری شده است. سپس مولفه‌ها و ابعاد یافت شده به رای خبرگان قرار داده شد و مهم‌ترین مولفه‌ها شناسایی شدند و در نهایت مشخص شد که یکی از مهم‌ترین مولفه‌های عمق استراتژیک کشورها قدرت علمی و فناورانه است. سپس به موضوع هوش مصنوعی که تجلی دانش و قدرت فناوری پرداخته شد و تاثیر آن بر عمق استراتژیک کشورها بررسی شد.

سؤالات پژوهش

- ۱- مولفه‌ها و ابعاد عمق استراتژیک کشورها در عصر جدید چیست؟
- ۲- تاثیرات هوش مصنوعی بر عمق استراتژیک کشورها کدامند؟

یافته‌های پژوهش

مفهوم عمق استراتژیک به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش امنیت ملی، گسترش حوزه نفوذ و کاهش آسیب‌پذیری

در برابر تهدیدات خارجی ایفا می‌کند. این مفهوم نه تنها بر ابعاد جغرافیایی، بلکه بر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی نیز استوار است و به کشورها امکان می‌دهد تا در محیط بین‌المللی از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردار شوند. در جهان چندقطبی امروز، دستیابی به عمق استراتژیک از طریق اتحادها، همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت قدرت نرم، به یکی از راهبردهای اساسی بازیگران بین‌المللی تبدیل شده است. به نظر می‌رسد این مفهوم و کاربرست آن در سیاست خارجی، رابطه بسیار نزدیکی با ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک و امنیت پایدار کشورها داشته باشد.

عمق استراتژیک و ژئوپلیتیک

مفهوم «عمق استراتژیک» یک موضوع ژئوپلیتیکی است که تأثیر سیاست، قدرت و جغرافیا را در خود جای داده و به عنوان عاملی کلیدی در دفاع و گسترش قدرت کشورها شناخته می‌شود. دولت‌ها همواره سعی دارند از عمق استراتژیک خود برای حفاظت از منافع اقتصادی، سیاسی و جمعیتی خود دفاع کنند و آن‌ها توسعه دهند. این مفهوم پایه‌گذار سیاست‌های دفاعی و خارجی کشورهای بزرگ بوده و محرکی برای رویدادهای مهم تاریخی است (Weidokai, 2018). عمق استراتژیک به منافع ملی مربوط است و ویژگی‌های جغرافیایی می‌تواند زیرساخت این منافع به شمار آید (Hafeznia, 2006: 120).

مؤلفه‌ها و ابزارهای عمق استراتژیک

در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، کشورها به روش‌های مختلف تلاش می‌کنند بر دیگر جوامع تأثیر بگذارند (Eltiami Nia & Taghavai: 2016: 28). سیاست‌مداران هم دریافته‌اند که مسیر ایجاد ثبات در داخل و استحکام سیاسی در خارج از مرزهای سرزمینی از وسایل جایگزین استفاده کنند تا اینکه حکمرانی اثربخش‌تری داشته باشند (Rajabi et al., 2023: 41). یکی از این راه‌ها تقویت عمق استراتژیک است. احمد داوود اوغلو، نظریه‌پرداز ترکیه‌ای، عمق استراتژیک را به عنوان نتیجه‌ای از عوامل وابسته به ژئوپلیتیک می‌داند و این دکتترین را بر اساس تاریخ و جغرافیا فراتر از مرزهای ترکیه بنا می‌کند. او بر این باور است که عوامل ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچری و آگاهی راهبردی زمان و مکان در شکل‌گیری عمق استراتژیک یک کشور اهمیت دارند (Oghlu, 2012). عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری بر دیگر جوامع را

می‌توان به دو دسته مؤلفه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تقسیم کرد. در ادامه به بررسی مؤلفه‌های نرم‌افزاری می‌پردازیم.

مؤلفه‌های نرم‌افزاری عمق استراتژیک

۱. زبان

زبان، به‌عنوان ابزار اصلی ارتباطی، نقش کلیدی در درک مناسبات بین‌المللی و تجلی قدرت و سلطه ایفا می‌کند و رکن اصلی خودشناسی ملی است (Badiei Azandahi & Golafshan: 2012). در سیاست، زبان ابزاری برای بسیج اجتماعی و ایجاد هویت و وفاداری است (Shohami, 2006). زبان دیپلماتیک، هنر انتقال مؤثر پیام است و به‌طور خاص، باید به‌صورت متقاعدکننده و بدون به‌کارگیری موارد غیرضروری باشد (Tsvetkova, 2017). این مفهوم نشان می‌دهد که زبان بخشی از فرهنگ است و با ارزش‌ها و باورهای افراد پیوندی عمیق دارد (De Vera, 2022). در این راستا، زبان می‌تواند یکی از عناصر قدرت برای کشورهای مختلف باشد، به‌ویژه از طریق آموزش و گسترش خود در دیگر کشورها.

امروزه نفوذ زبانی به‌ویژه در قدرت‌های بزرگ و پیشرفته اهمیت پیدا کرده است. برای مثال، دبیر دائمی فرهنگستان فرانسه نسبت به تهدید «هیولاهای زبانی» و تأثیر منفی آن‌ها بر زبان فرانسوی هشدار داده و تأکید کرده که زبان و فرهنگ به یکدیگر وابسته‌اند و باید در برابر این تهدیدات ایستادگی کرد (Salary, 2022).

۲. ایدئولوژی و مذهب

حضور دین در طول تاریخ و در سراسر جهان نشان‌دهنده آن است که بشریت به صورت فطری به دین گرایش دارد. دین‌شناسان و متفکرانی چون الیاده و کنینگ بر این نکته تأکید دارند که زندگی بشری همیشه تحت تأثیر تجربه‌های دینی بوده است. از سوی دیگر، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از نظام‌های فکری اشاره دارد که به‌واسطه شرایط اجتماعی شکل گرفته و افراد جامعه نیز در تفسیر آن سهم دارند (Mannheim, 1971: 60). ایدئولوژی می‌تواند به باورهای نظام‌مند درباره سیاست و اندیشه‌های نظری و عملی مرتبط باشد (Halliday, 2005: 196). مک‌کوبین اونز بیان می‌کند که استراتژی می‌تواند گفت‌وگویی مداوم بین سیاست و عوامل دیگری مانند فرهنگ، مذهب و اقتصاد ایجاد کند (Lucius, 2012: 66). مذهب نیز در تعیین مرزهای جغرافیایی و تأثیر بر ثبات

سیاسی کشورها نقش داشته و به نظر می‌رسد که در قرن بیستم مجدداً به ژئوپلیتیک بازگشته است (Ahmadi, 2010). مذهب، به‌عنوان نیرویی مؤثر در هدایت رفتار انسانی، باید در عرصه سیاست و امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد (Elshtain:2004). ایدئولوژی نه تنها به‌عنوان نیروی محرک کنش سیاسی، بلکه به‌عنوان راهنمایی برای تفسیر واقعیت‌ها در هر کشوری برای ارتقای قدرت ملی ضروری است (Kamal Ara: 2021) منافع ملی اساس سیاست خارجی کشورهاست و درک این منافع نیازمند توجه به شاخص‌های ژئوپلیتیکی، فرهنگی و تاریخی است. عمق استراتژیک از منظر شعاع نفوذ و سطح تأثیرگذاری بررسی می‌شود؛ هرچه این دو باهم قوی‌تر باشند، تأثیر کشور در حوزه‌های مختلف بیشتر خواهد بود (Mottaghi: 2021).

عمق استراتژیک یک کشور را می‌توان از دو جنبه شعاع و سطح نفوذ بررسی کرد. شعاع به حوزه‌های تأثیرگذاری اشاره دارد و هرچه بیشتر شود، توانایی کشور در تصمیم‌سازی گسترش می‌یابد. سطح نفوذ به عمق تأثیر سیاست‌های یک کشور بر دیگر بازیگران مربوط می‌شود. عمق استراتژیک دارای دو جنبه سلبی (ایجاد امنیت و کاهش تهدیدها) و ایجابی (تقویت روابط حسنه از طریق اشتراکات فکری و ارزشی) است (Kazemi: 2012). نقش دین در حفظ هویت‌های فرهنگی و ملی تاریخی حائز اهمیت است و انسان‌ها به‌طور طبیعی تمایل به ایجاد جوامع معنادار با ارزش‌ها و اهداف مشترک دارند. ارزش‌های دینی می‌توانند بهترین بسترها برای ایجاد هویت مشترک باشند (Coyer, 2023).

۳. گفتمان جهان‌شمول

اصطلاح گفتمان در دهه ۱۹۵۰ به‌ویژه در علوم اجتماعی و انسانی رواج یافت. پیش از آن، امل بنونیست در دهه ۱۹۶۰ آن را به‌صورت علمی و زبان‌شناسانه معرفی کرد. دیگر اندیشمندان مانند مایکل مان، دایان مک‌دائل، میشل فوکو، مایکل استابز و تئون ای ون دایک نیز به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند (Forghani, 2003: 60-62).

نورمن فرکلاف گفتمان را به‌عنوان مجموعه‌ای از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و خود متن تعریف می‌کند. همچنین ون دایک گفتمان را مفهومی پیچیده و مبهم می‌داند که نیاز به توجه به تنوع تعاریف آن در رشته‌های مختلف علمی دارد. فرکلاف بر لزوم درک تنوع تعاریف گفتمان در زمینه‌های مختلف علمی تأکید می‌کند و این تنوع می‌تواند ناشی از استفاده فراگیر این اصطلاح

در رشته‌های مختلف از جمله نظریه انتقادی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی باشد (Guardado, 2018:24).

زندگی مدرن ماتحت تأثیر دنیای بین‌الذهانی قرار دارد که در آن گفتمان به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به برنامه‌ها، تولید معنا و مشروعیت‌بخشی به منافع عمل می‌کند. ایالات متحده با رویکردی خودمحور، سیاست‌های خارجی خود را مثبت و سیاست‌های رقبای خویش را منفی توصیف می‌کند، که این امر به حاشیه راندن دیگر صداها منجر می‌شود. این نوع گفتمان نه تنها سیاست‌ها را شکل می‌دهد بلکه نقش مهمی در ارائه و توجیه آن‌ها به جامعه ایفا می‌کند. برای مثال، مداخلات نظامی ایالات متحده به‌عنوان «دلیل عادلانه» معرفی می‌شوند درحالی‌که مداخلات کشورهای دیگر به‌عنوان «تجاوز» تلقی می‌شوند. تحلیل گفتمان به درک بهتر سیاست خارجی کشورهای دیگر کمک کرده و به سیاست‌گذاری جهانی گسترش می‌یابد. مثال بارز این گفتمان، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هستند که بدون چارچوب‌بندی گفتمانی، معنایی نخواهند داشت. این تحلیل‌ها برای توجیه جنگ و نظارت بسیار ارزشمند هستند (GRipley: 2017).

هر انقلاب، علاوه بر ایجاد یک سامان‌دهی سیاسی جدید، گفتمان‌ها و اصطلاحات جدیدی را معرفی می‌کند که فراتر از مرزهای جغرافیایی تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، انقلاب کبیر فرانسه، نظام‌های سلطنتی را به چالش کشید و گفتمان مردم‌سالاری را شکل داد. همچنین، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی گفتمان جدیدی را ایجاد کرد که به ادبیات مشترک روشنفکران و فعالیت‌های انقلابی تبدیل شد (Ayyoubi, 2001: 84).

۴- فرهنگ

آنتونی گیدنز^۱، فرهنگ را مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، رفتارها و شیوه‌های زندگی می‌داند که در تولیدات مختلف نمایان می‌شود (Zohrehei: 2010). مطالعات کالین گری نشان می‌دهد که فرهنگ بر قدرت، امنیت و دفاع تأثیر عمیقی داشته است (Gray, 2006).

یکی از جنبه‌های برجسته فرهنگ امروز تأثیر مد بر پوشش و لباس است. در تاریخ، گروه‌های فعال از مد به‌عنوان ابزاری استراتژیک استفاده کرده‌اند؛ لباس‌هایی مانند داشیکی و مدل موی آفریقایی به نمادهای قدرت و مقاومت تبدیل شدند که نمایانگر تلاش برای مبارزه با بی‌عدالتی نژادی و

1 Anthony Giddens

تجلیل از میراث آفریقایی است (FibreFashion:2024). یکی از برجسته‌ترین جنبش‌های اجتماعی قرن نوزدهم، جنبش حق رأی زنان بود که به دنبال تضمین حقوق و رفتار برابر با زنان بود. مد به میدان نبرد برای حقوق زنان تبدیل شد (<https://fashionology.in>). تلاقی مد و فعالیت سیاسی به عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان ایدئولوژی‌ها، به چالش کشیدن هنجارها و حمایت از تغییرات اجتماعی عمل کرده است (Padma, 2023). اینجا دو جنبه قابل تفکیک وجود دارد: یکی تأثیر فرهنگ بر رفتار سیاسی و کنش‌های دیپلماتیک و دیگری تأثیر فرهنگ بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی. این دو جنبه در واقع دوروی یک سکه هستند (Naghibzadeh, 1999) تحولات اخیر در روابط بین‌الملل نشان‌دهنده اهمیت فرهنگ در دستیابی به اهداف میان دولت‌ها و ملت‌هاست، به طوری که امروزه اتحادیه‌های فرهنگی در سطح جهانی شکل گرفته‌اند تا زمینه تنازعات و چالش‌های بین‌المللی را کاهش دهند (Kim, 2009). فرهنگ و قدرت ملی به طور قوی باهم مرتبط هستند. نظریه «برخورد تمدن‌ها» اثر هانتینگتون تأکید می‌کند که گسل‌های فرهنگی ممکن است در آینده منجر به جنگ‌ها و بحران‌های جدید شوند. پاتریک چانال نیز در اثر خود بیان می‌کند که سیاست و قدرت تحت تأثیر فرهنگ قرار دارند و به تحلیل سیستم‌های سیاسی غرب بر اساس پیش‌فرض‌های توسعه فرهنگی می‌پردازد. ترکیب فرهنگ و قدرت می‌تواند به کشف روابط پنهان و ابعاد سیاسی فرهنگ منجر شود (Salehabadi: 2019). در نهایت، بسیاری بر این اعتقادند که فرهنگ استراتژیک محصولی از جغرافیا، تاریخ و روایت‌های مشترک هر کشور است و این عوامل جهانی‌بینی حاکم بر تأسیسات امنیت ملی کشور را شکل می‌دهند و پاسخ آن را به چالش‌ها و تهدیدها هدایت می‌کنند (Solosky and Rumer, 2020). نقش فرهنگ و ارزش‌ها در اقتدار ملی در کنار دیگر عوامل (سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی، اطلاعاتی و امنیتی) اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا تهدیدات خارجی و داخلی معمولاً به شکل نمادین و ظاهری بروز می‌یابند، درحالی که تهدیدات فرهنگی می‌توانند به صورت پنهانی باعث فرسایش و دگرگونی ارزش‌های یک جامعه شوند. از آنجایی که عمق استراتژیک ارتباط مستقیمی با قدرت ملی دارد و مؤلفه‌های فرهنگی در این زمینه نقش بسزایی ایفا می‌کنند، می‌توان گفت که فرهنگ در ایجاد و بسط عمق استراتژیک مؤثر است. والراشتاین نیز تأکید می‌کند که «عناصر فرهنگی قدرت به مراتب اثرگذارتر و عمیق‌تر از سایر منابع هستند» (Wallerstein, 1998).

۵- هنر

تعاریف معاصر هنر بر ابعاد مختلف آن تأکید می‌کنند: برخی به ویژگی‌های نهادهای آن پرداخته و برخی دیگر به ویژگی‌های زیبایی‌شناختی فراتر از آن توجه دارند (Adajian, 2022). هنر نه تنها بر کنش‌ها و تصمیم‌سازی‌های دولتی تأثیر می‌گذارد، بلکه در برخی کشورها به عنوان یکی از منابع کلیدی قدرت ملی شناخته می‌شود. ویژگی‌های چندگانه هنر باعث شده است که دولت‌ها و بازیگران سیاسی به نقش آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. هنر نه تنها بر کنش‌ها و تصمیم‌سازی‌های دولتی تأثیر می‌گذارد، بلکه در برخی کشورها به عنوان منبع کلیدی قدرت ملی شناخته می‌شود. (The Different Level, 2021).

گاهی اوقات، آثار هنری به طور خاص برای حمایت از ساختارهای قدرت ایجاد می‌شوند. دولت‌ها به دلایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از برخی از اشکال هنر حمایت می‌کنند (Kovancılar & Kahrman, 2007). به رغم تأثیر قوی هنر در تحلیل اجتماعی-سیاسی، پیام‌های هنری گاهی اوقات نادیده گرفته می‌شوند (Vaughan, 2019). در واقع هنر در زمینه‌های مختلف از جمله تفکر انتقادی، زیبایی‌شناسی، هدایت جوامع، تأمین صلح و نظم به سیاست کمک می‌کند، این در حالی است که هنرمندان با ورود به عرصه سیاست نمی‌توانند جایگاه خود را در عرصه سیاست به عنوان هنرمند حفظ کنند (Demirel & Altintas, 2012:446). هنر همیشه به عنوان یک رسانه قدرتمند برای تفسیر اجتماعی-سیاسی عمل کرده است (Vaughan: 2019). آثار هنری ممکن است برای حمایت از ساختارهای قدرت فعلی خلق شوند، دستگاه دیپلماسی کشورهای مختلف، از جمله ایالات متحده، برای به دست آوردن قدرت و اعتبار از هنر به عنوان ابزاری مؤثر استفاده می‌کند. به عنوان مثال، لودویگ فان بتهوون گفته است: موسیقی می‌تواند جهان را تغییر دهد (Galustian & Hosseini, 2023). در عصر انقلاب تکنولوژیک و رسانه‌ای، رسانه‌ها تبدیل به ابزارهای تأثیرگذاری در معادلات قدرت شده و زمینه‌ساز ظهور کنشگران و افکار مختلف هستند (Sarkheil, 2019). یکی از مثال‌های عینی قدرت هنر و رسانه، هالیوود است. این صنعت به حوزه‌های مختلف از جمله سیاست و اقتصاد نفوذ کرده است. سینما به ویژه در سیاست خارجی آمریکا کاربردهای مهمی دارد و هالیوود به عنوان یک ابزار قدرت نرم، به تحقق منافع ایالات متحده کمک می‌کند (Khaleghinejad, 2022).

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده از فیلم‌هایی که با موضوعات امنیت ملی مرتبط بودند، حمایت می‌کند؛ این فیلم‌ها معمولاً ایدئولوژی نازی را محکوم و تهدید کمونیسم را مطرح می‌کنند و به بیداری احساسات میهن‌پرستانه آمریکایی‌ها کمک می‌کنند. رابطه نزدیک وزارت جنگ و هالیوود به تبلیغ ارتش ایالات متحده کمک کرده و ارزش‌ها و مواضع ژئوپلیتیک آمریکایی را ترویج می‌دهد. همچنین، فیلم اسپکتر جیمز باند در سال ۲۰۱۵ نشان‌دهنده نفوذ هالیوود و استراتژی آن برای جذب و اقناع عمومی حول ارزش‌های آمریکایی است (Heidbrink & Noel, 2024).

ششی ثارور، وزیر پیشین هند، بیان کرده است که بزرگ‌ترین دارایی هند در افغانستان، هنر و فرهنگ است نه ارتش، و سریال «ساز» نمونه‌ای از فرهنگی است که برای افغان‌ها ارزشمند است (Geopolitics at the Movies: 2023). هنر یک موضوع فرامرزی است و به‌عنوان ابزاری برای قدرت ملی شناخته می‌شود؛ زیرا می‌تواند فراتر از مرزها با مردم ارتباط برقرار کند. هنر بر اساس دوستی و روابط انسانی استوار است و برخلاف دیگر مبانی قدرت که ممکن است بر تهدید و حذف تمرکز کنند، به همگرایی و تبدیل روابط اشاره دارد. همچنین، جنبه‌های غیردولتی و غیرمادی قدرت می‌تواند به تقویت قدرت یک کشور کمک کند (Zarif: 2024).

۶- حضور در پیمان‌ها و اتحادهای منطقه‌ای^۱

منطقه به‌عنوان یک مفهوم جغرافیایی، در فرایند سیاسی به موضوعی ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود (Hafeznia, 2006: 65). مناطق جغرافیایی بر اساس ویژگی‌های ساختاری نظیر شکل فضایی، نوع اقلیم، زبان، مذهب، فرهنگ و همچنین ویژگی‌های کارکردی مانند تولید و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعیین هویت می‌شوند. زمانی که این ویژگی‌ها از نظر سیاسی بارور شوند، منطقه به یک منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل می‌گردد (Hafeznia, 2006: 111).

عمق استراتژیک هر کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علایق ژئوپلیتیکی^۲ آن شناخته می‌شود و این علایق با منافع ملی^۳ هم‌راستا است. منافع ملی پایه‌گذار سیاست خارجی کشورهاست و برای درک آن لازم است شاخص‌های ژئوپلیتیکی، ساختاری، فرهنگی و تاریخی در نظر گرفته شوند. منافع

1 Regional coalition

2 Geopolitical interests

3 National Interest

ملی با توجه به ائتلاف‌ها و ضد ائتلاف‌ها تغییر می‌کند و درک آن به تاریخ و هویت هر جامعه مربوط می‌شود (Moteqi, 2018). استفن والت، نظریه‌پرداز واقع‌گرایی تدافعی، بیان می‌کند که در شرایط ناامنی، دولت‌ها برای حفاظت از خود اتحادیه تشکیل می‌دهند و رفتار آن‌ها تحت تأثیر تهدیدهایی است که احساس می‌کنند. ادراک دولت‌ها از تهدید به عوامل مختلفی مثل قدرت کلی، هم‌جواری جغرافیایی و نیت تهاجمی بستگی دارد (Seifi & Pourhassan, 2018: 43). در شرایط باثبات، کشورها معمولاً روابط استراتژیک را با اهداف اقتصادی و توسعه‌ای شکل می‌دهند، اما در دوره‌های نوسان، بیشتر به دنبال ایجاد اتحادهای طبیعی با کارکرد ژئواستراتژیک هستند. کشورهایی مانند بریتانیا به دنبال ایجاد مزیت استراتژیک از طریق اتحادهای مؤثر برای تقویت قدرت و نفوذ نظامی خود هستند. این اتحادها می‌توانند نقش حمایتی در زمان بحران ایفا کنند و در ایجاد عمق استراتژیک، امنیت یک کشور را گسترش دهند. از دیدگاه جغرافیایی، متحدان به‌عنوان حائل‌های فیزیکی در برابر تهاجم عمل می‌کنند (Elefteriu, 2023). از طرفی وجود دشمن و تهدیدات مشترک نیز می‌تواند یکی از عوامل تقویت کننده اتحادها باشد (Bagheri et al., 2024: 112). مواردی که تشریح شد، مؤلفه‌های نرم‌افزاری عمق استراتژیک به شمار می‌آیند. درواقع این موارد آن دسته‌ای از مؤلفه‌هایی هستند که یک کشور می‌تواند بدون توسل به قدرت دفاعی و نظامی آن را ایجاد یا تقویت نماید و به گسترش دامنه عمق استراتژیک خود بیفزاید. در ادامه به معرفی مؤلفه‌های سخت‌افزاری خواهیم پرداخت.

۷- موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی یک کشور به‌طور مؤثر در افزایش قدرت ملی و جایگاه آن در یک منطقه ژئوپلیتیکی نقش دارد. درک صحیح این جایگاه از سوی سیاست‌گذاران در سطوح ملی و منطقه‌ای اهمیت بسزایی دارد (Hafeznia & Ghaderi Hajjat, 2010: 23). دسترسی به موقعیت جغرافیایی مناسب، یکی از عوامل کلیدی در پیروزی در مسائل استراتژیک و دفاعی محسوب می‌شود. (Garrett, 1987: 8) برخی براین باورند که سیاست هر کشور تحت تأثیر جغرافیای آن قرار دارد. (Roshandel, 2005) ژول کامبون براین باور است که موقعیت جغرافیایی یک ملت، عامل مشروط کردن سیاست خارجی آن است (Sarabi and etal, 2023: 128).

رابطه بین موقعیت جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها، به موضوعی کلیدی در مطالعات ژئوپلیتیکی تبدیل شده است (Hafeznia, 2006: 89). عمق استراتژیک، که به‌ویژه بر عامل جغرافیایی تمرکز دارد، نشان می‌دهد که معمولاً کشوری با عمق استراتژیک بیشتر از نظر نظامی در مقایسه با کشورهای با عمق کمتر، مزیت بیشتری دارد. این عمق به توان دفاعی کشور کمک کرده و چالش‌های جدی برای متجاوزان ایجاد می‌کند، به‌ویژه در شرایطی که امنیت ملی تحت تاثیر همسایگان متخاصم قرار دارد (Retd, 2015). اساس امنیت ملی یک کشور، داشتن عمق استراتژیک است (Chowdhury, 2009).

وضعیت مرزی و جغرافیایی آن نیز بر عمق استراتژیک تأثیرگذار است. اشکال و وضعیت اراضی داخل مرزها می‌تواند مزایا و تهدیداتی به همراه داشته باشد. به‌طور کلی، یک فضای وسیع می‌تواند عمق استراتژیک ایجاد کرده و حاشیه امنیتی برای کشور فراهم کند (Hafeznia, 2006: 91). عمق استراتژیک بر اساس مفاهیم سنتی و نظامی به میزان و طول مرزهای خشکی و وسعت کشور بستگی دارد، که می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر قدرت ملی داشته باشد. مرزهای طولانی شاید باعث دشواری در تمرکز نیروهای دفاعی شود، اما از سمت دیگر، می‌تواند مانع درگیری‌های متمرکز شود و عقبه استراتژیکی قوی‌تری فراهم آورد (Salehabadi, 2019: 298).

۸- موقعیت ترانزیتی و گذرگاهی

ترانزیت به معنای عبور، حمل‌ونقل و ترابری است (Afshardi & Naderi, 2020: 12). درآمدهای حاصل از ترانزیت به موقعیت جغرافیایی کشورهای واسطه بستگی دارد (Rezaei, 2016: 1). ترانزیت بین‌المللی به موازات گسترش فناوری‌های بشری، زمینه‌ساز توسعه روابط اقتصادی و تجاری میان کشورهاست (Arnold, 2006: 3). کشورهای با موقعیت کریدوری، با فراهم کردن امکانات تردد، موقعیت کنترلی و قوی‌تری نسبت به سایر کشورها پیدا می‌کنند (Hafeznia Interview, 2017).

موقعیت ترانزیتی نه تنها به درآمد ملی کمک می‌کند، بلکه کنترل بیشتری برای کشور ترانزیتی ایجاد می‌نماید و به سیاست خارجی کشورها نیز ارتباط دارد (Salehabadi, 2019: 174). برای اینکه فعالیت‌های حمل‌ونقل اثرات اقتصادی مثبتی داشته باشند، نیاز به زیرساخت‌های قوی و برنامه‌ریزی روزمره است (Öztürk & Uzun, 2010: 95). سازمان ملل نیز بر توسعه

کریدورهای حمل و نقل به منظور بهبود تجارت و گردشگری بین‌المللی تأکید دارد (Yıldırım Keser, 2015: 174)

کریدورهای ترانزیتی و اجزای آن مانند بندرها، کانال‌ها و مسیرهای ریلی و جاده‌ای نقش ژئواستراتژیکی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مناسبات جغرافیایی دارند. به‌طور کلی، قدرت‌های جهانی برای رقابت در این فضاها جغرافیایی به فناوری حمل و نقل توجه زیادی دارند. موقعیت کریدوری یک کشور و استفاده حداکثری از آن یکی از راه‌های تقویت و ارتقای سطح امنیت ملی است. شکوفایی ظرفیت‌های ترانزیتی کشور علاوه بر آنکه باعث استحکام ساختار اقتصادی با تنوع و افزایش در منابع درآمدی کشور، نقش بسیار مهمی در ظرفیت ژئوپلیتیک یک کشور دارند (Acar et al, 2015:94). توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و مهم‌تر از همه بهره‌برداری حداکثری از آن با توجه به موقعیت جغرافیایی کشور، بر ایجاد مشارکت استراتژیک با کشورهای همسایه، تشکیل اتحاد و بلوک‌های جدید ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک مؤثر خواهد بود (parand, 2013:1). و این موضوع می‌تواند به ایجاد و تقویت عمق استراتژیک کشورها کمک شایانی نماید.

۱۰- تسلط بر تنگه‌های استراتژیک^۱

تنگه‌های استراتژیک به‌عنوان عوامل جغرافیایی، به خاطر ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیک خود، در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی نقش مهمی ایفا می‌کنند. دولت‌ها از این تنگه‌ها به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود بهره می‌برند. رابطه مستقیمی بین قدرت دولت ساحلی و قابلیت استفاده از تنگه به‌عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی وجود دارد؛ یعنی هر چه قدرت دولت ساحلی بیشتر باشد، توانایی استفاده از تنگه‌ها در امور بین‌المللی نیز افزایش می‌یابد. مسیرهای دریایی بین‌المللی شامل آبراهه‌ها، تنگه‌ها و دماغه‌ها بوده و در کل نزدیک به ۲۰۰ مورد از این مکان‌ها در جهان وجود دارد، اما تنها تعداد کمی از آن‌ها از نظر استراتژیک اهمیت ویژه‌ای دارند (Abbasi et al., 2015: 32).

در طول تاریخ، اهمیت دسترسی به تنگه‌های استراتژیک تحت سه مجموعه منافع تعریف شده است: ۱) منافع نظامی و برتری در جنگ؛ ۲) منافع تجاری که نیازمند دسترسی بدون مانع به آبراه‌ها

و بنادر تجاری است؛ و ۳) منافع تسلط اقتصادی که شامل انحصار استفاده از تنگه‌ها و جلوگیری از دسترسی رقبا می‌شود (3: Khaniha & Pishgahifar, 2009). دکتر حافظ‌نیا بر این باور است که موقعیت مکانی استراتژیک مکانی است که رویدادهای آن دارای تأثیرات منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی است و می‌تواند به‌عنوان مرکز ارتباطات یا تمرکز نیروهای نظامی و دفاعی مورد استفاده قرار گیرد... برخی مکان‌ها به دلیل ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود، تأثیرات زیادی بر روابط بین‌الملل دارند. مهم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی استراتژیک بودن مکان‌ها شامل: موقعیت ارتباطی، منابع طبیعی و اقتصادی باارزش، نزدیکی به تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی، قرارگیری میان مناطق مهم، موقعیت نظامی و دسترسی به آب‌های آزاد می‌باشند (74: Mirzayi Tabar, 2014). بنابراین، تنگه‌های بین‌المللی به‌عنوان مکان‌های استراتژیک شناخته می‌شوند.

تنگه‌ها به دلیل برخورداری از موقعیت‌هایی که هم در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیر گذارند و هم در استراتژی‌های نظامی بری و بحری مورد توجه هستند و نیز به دلیل اینکه به کشورهای ساحلی خود، امکان کنترل رفت و آمدها را می‌دهند، دارای ارزش استراتژیکی هستند.

۱۱- مناسبات اقتصادی و ژئواکونومیک با کشورهای همجوار

در دوران جنگ سرد، الگوی ژئوپلیتیک ایدئولوژیک بر ابعاد اقتصادی غلبه داشت و کشورها مجبور بودند برای حفظ نفوذ خود حتی به هزینه‌های اقتصادی تن دهند. اما پس از جنگ سرد، توجه به رویکرد ژئواکونومی افزایش یافته است که به سه دلیل رخ داده است: ۱) تمرکز قدرت بین‌المللی به سمت اقتصاد رفته است؛ ۲) کشورها بیشتر به منابع اقتصادی توجه نشان می‌دهند؛ و ۳) تغییرات در بازارهای جهانی رفتار دولت‌ها را دستخوش تحول کرده است (MokhtariHashi, 2018). امروزه رقابت‌های ژئواکونومیک خط مقدم تعارضات جهانی است که کشورها به‌جای استفاده از روش‌های سنتی، به اقدامات تنبیهی اقتصادی و تنظیم بازارها روی می‌آورند. این تحولات همچنین بر گسترش تجارت جهانی و همکاری‌های سیاسی تأثیر گذاشته است. به‌عنوان مثال، از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، روسیه به دلیل اختلافات سیاسی، صادرات گاز به برخی از مناطق اروپا را به حالت تعلیق درآورد (Keith, 2013). در دیدگاه معاصر پکن، دیپلماسی

اقتصادی به عنوان ابزاری برای کسب نفوذ جهانی به کار می رود (Matthews & Anicetti, 2024).

در تفکر ژئواکونومیک، نفوذ در بازارها جایگزین حضور نظامی شده است و قدرت اقتصادی به عنوان عامل اصلی در مناقشات و اختلافات تجاری تلقی می شود که باید با ابزارهای اقتصادی، مانند تعرفه ها و یارانه ها، حل و فصل شود. سیاست خارجی ژئواکونومیک از نظامی گری عبور کرده و به اهداف اقتصادی تمرکز یافته است (Safavi, 2021: 234).

بنابراین در دوران ژئواکونومی وسایل و علل منازعات، ماهیتی اقتصادی و ژئواکونومیک پیدا می کند و از طرفی نیز دستیابی به قدرت اقتصادی که یکی از عامل مهم در ایجاد، تکوین و گسترش عمق استراتژیک است ناشی از همین قدرت اقتصادی است.

۱۲- قدرت علمی، تکنولوژیکی و فناوری کشور

تکنولوژی و فناوری به عنوان یکی از عوامل کلیدی قدرت ملی کشورها به شمار می آید و نقش اساسی در تقویت دیگر ابعاد قدرت ملی مانند قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایفا می کند. امروزه رقابت میان کشورها بر سر منابع زمین کاهش یافته و به رقابت برای دستیابی به سهمی از بازارهای جهانی تبدیل شده است. این امر منجر به تغییر اولویت ها از سیاست های دفاعی به سیاست های تجاری و صنعتی شده است (Strange, 1995). فناوری نه تنها بر توسعه تأثیر می گذارد، بلکه به شکل دهی به ژئوپلیتیک نیز کمک می کند و در این راستا انقلاب های تکنولوژیک تغییرات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به همراه داشته است (Torreblanca, 2023).

قدرت های بزرگ به اهمیت دسترسی به فناوری های نوین پی برده اند و در حال شرکت در رقابتی برای تقویت قابلیت های تکنولوژیکی خود هستند. این رقابت به ویژه در زمینه مالکیت و کنترل داده ها به عنوان عامل کلیدی در رقابت های اقتصادی و ژئوپلیتیکی، مانند نبرد ایالات متحده و چین بر سر فناوری 5G، به چشم می خورد. کشورها و شرکت هایی که در زمینه های پیشرفته چون هوش مصنوعی، رباتیک و نانو تکنولوژی برتری دارند، در آینده بر ژئوپلیتیک حاکم خواهند شد (Torreblanca, 2023).

در چند قرن اخیر، تکنولوژی به عنوان عاملی کلیدی در تغییر مناسبات جهانی شناخته شده است. در سال ۲۰۲۳، تقریباً ۱,۰۳۳ میلیارد نفر در جهان از گوشی های هوشمند سامسونگ استفاده می کنند، که نشان دهنده نفوذ بالای این تکنولوژی است (Onyang, 2024). تکنولوژی نه تنها «دگرگونی در کنشگری» را تسهیل می کند، بلکه «محیط کنش بین المللی» را نیز تغییر می دهد و قدرت و کنشگری در روابط بین المللی را تحت تأثیر قرار می دهد.

قدرت های نوین به تغییر ذات قدرت کمک کرده اند و دیگر نمی توان بر اساس معیارهای سنتی، قدرت را اندازه گیری کرد. فناوری های نوین ساختار قدرت و کنشگری را در روابط بین الملل دگرگون کرده اند و به بی قدرت ها قدرت بخشیده اند. این تغییرات موجب ظهور کنشگران جدید مثل شرکت های داده پرداز شده که تأثیر زیادی بر دولت ها دارند. کنش ها و واکنش های بین المللی که حول محورهای صلح و جنگ شکل می گیرند، به وضوح تحت تأثیر تکنولوژی هستند و ماهیت جنگ ها را تغییر داده اند. رقابت های بین المللی، به ویژه در روابط چین و ایالات متحده، به شدت با فناوری گره خورده است.

فناوری های جدید، فرصت های تازه ای ایجاد کرده و بر اقتصاد، بازار و فرهنگ تأثیر می گذارند. در حالی که برخی از تغییرات تکنولوژیکی احساس نگرانی می کنند، فناوری همچنان منبع اصلی رشد اقتصادی و قدرت نظامی به شمار می آید. این فناوری ها منابع جدیدی از ثروت و قدرت به ارمان می آورند (Andrew Lewis, 2022) به همین دلیل، قدرت فناوری و اقتصاد تکنولوژیکی به عنوان یکی از عوامل کلیدی قدرت ملی در نظر گرفته می شود. قدرت تکنولوژیکی موجب افزایش وابستگی کشورها به کشورهای دارنده فناوری و افزایش رقابت برای دسترسی به محصولات جدید می شود و به ایجاد منابع اقتصادی پایدار کمک می کند. با ایجاد چنین ارتباطاتی، امنیت ملی می تواند بدون نیاز به سلاح نیز تأمین شود و عمق استراتژیک کشورها گسترش یابد.

۱۳- حضور در فضای خارج از جو و تکنولوژی فضایی

فضای بیرونی زمین به دلیل ناشناخته بودنش، انسان ها را به سمت توسعه تکنیک ها و دانش های پیشرفته سوق داده است. فناوری فضایی شامل موشک ها، ماهواره ها، شاتل ها و ایستگاه های فضایی، به انسان در درک بهتر جهان کمک می کند و امروزه به یک بخش کلیدی از امنیت ملی و

ثبات بین‌المللی تبدیل شده است. با گسترش فناوری فضایی، نگرانی‌ها درباره کاربرد دوگانه آن هم افزایش یافته است (Ramazani: 2021 as cited in Park, 2014). رقابت ابرقدرت‌ها برای هژمونی سیاره‌ای موجب حرکت به سوی فضای خارج از زمین شده است (Dari Vernousfaderani et al., 2022). در سال‌های اخیر، فضا به عنوان یک قلمرو جدید برای فعالیت‌های بشری مطرح شده و کشورهای مختلف بر اساس توانمندی و قدرت ملی خود به این عرصه توجه دارند (Zargar: 2010). عدم استفاده از فناوری‌های فضایی می‌تواند خسارات استراتژیک قابل توجهی به همراه داشته باشد. (Polykalas, 2024). امروز فضای بیرونی به عنوان یک صحنه کلیدی برای امنیت ملی و ثبات جهانی شناخته می‌شود و به نظر می‌رسد که قرن بیست و یکم، قرن فضا باشد. نظامی شدن فضا به سرعت در حال افزایش است و قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده، چین و روسیه به فضا به عنوان میدان جنگ نگاه کرده و قابلیت‌های فضایی و ضد فضایی پیشرفته را توسعه می‌دهند. حضور مؤثر در فضا یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آید. بنابراین، برای کشوری که به دنبال عمق استراتژیک است، تثبیت حضور در فضا و بهبود فناوری‌های فضایی ضروری است.

۱۴- قدرت نظامی و دفاعی کشورها

قدرت نظامی و دفاعی به عنوان جزء کلیدی در عمق استراتژیک کشورها، شامل تمامی توانمندی‌های نظامی و دفاعی برای تأمین امنیت ملی و بازدارندگی در برابر تهدیدات است. این مؤلفه شامل نیروی انسانی، تجهیزات نظامی، فناوری‌های پیشرفته و استراتژی‌های دفاعی است و به کشورها اجازه می‌دهد نفوذ استراتژیک خود را گسترش دهند و تهدیدات را پیش از رسیدن به مرزهای خود مهار کنند. قدرت نظامی و دفاعی ابزاری برای بازدارندگی است و کشورهایی با توانمندی نظامی بالا می‌توانند دشمنان را از حمله منصرف کنند (Schelling, 1996). کشورهای دارای قدرت نظامی بالا می‌توانند مناطق نفوذ خود را گسترش دهند و تهدیدات را قبل از رسیدن به مرزهای خود مهار کنند. این قابلیت شامل ایجاد پایگاه‌های نظامی در مناطق استراتژیک یا برقراری اتحادهای نظامی با کشورهای هم‌پیمان است (Posen, 1984). از طریق این قابلیت‌ها، کشورها می‌توانند عمق استراتژیک خود را افزایش دهند و تهدیدات را در فواصل دورتر دفع کرده و از امنیت داخلی خود محافظت کنند (Collins, 2009).

داده‌های آماری

این تحقیق به منظور ارائه الگوی سنجش عمق استراتژیک کشورها انجام شده است. بدین منظور از ۳۳ عضو هیئت علمی رشته جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و امنیت ملی دانشگاه‌های کشور در رابطه با تأثیر مؤلفه‌های گوناگون در عمق استراتژیک کشورها نظرخواهی شد که نتایج پیش‌رو نمایان گردید. ضریب آلفای کرون باخ پرسشنامه استفاده شده در این مطالعه برابر با ۰/۹۷۸ به دست آمد. بنابراین پرسشنامه از روایی مناسبی برخوردار است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی رده سنی و جنس اعضای هیئت علمی

متغیر		تعداد	درصد
رده سنی	۳۱-۴۰ سال	۲	۶/۱
	۴۱-۵۰ سال	۱۵	۴۵/۵
	۵۱-۶۰ سال	۱۱	۳۳/۳
	بالای ۶۰ سال	۵	۱۵/۱
جنس	آقا	۲۶	۷۸/۸
	خانم	۷	۲۱/۲

توزیع فراوانی رده سنی و جنس اعضای هیات علمی در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی رتبه علمی و سابقه اجرایی اعضای هیات علمی

متغیر		تعداد	درصد
رتبه علمی	مربی	۲	۶/۱
	استادیار	۲۱	۶۳/۶
	دانشیار	۸	۲۴/۲
	استاد	۲	۶/۱
سابقه اجرایی	۵-۷ سال	۷	۲۱/۲
	۷-۱۵ سال	۱۵	۴۵/۵
	بیشتر از ۱۵ سال	۱۱	۳۳/۳

در جدول شماره ۲ توزیع فراوانی رتبه علمی و سابقه اجرایی اعضای هیات علمی مشخص است.

جدول شماره ۳: میانگین نمره تأثیر مؤلفه‌های موردبررسی در عمق استراتژیک کشورها از نظر اعضای هیئت علمی به ترتیب اهمیت (از ۵)

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	P-value
قدرت علمی و تکنولوژیکی و فناوریانه	۴/۷۹	۰/۴۱	۴	۵	<۰/۰۰۱
موقعیت جغرافیایی	۴/۵۸	۰/۶۱	۳	۵	
موقعیت ترانزیتی	۴/۵۲	۰/۵۱	۴	۵	
موقعیت ژئوپلیتیکی	۴/۴۸	۰/۵۱	۴	۵	
ظرفیت‌های ژئواکونومیک و مناسبات اقتصادی	۴/۳۳	۰/۵۹	۳	۵	
گفتمان‌های جهان‌شمول	۴/۳۳	۰/۶۹	۳	۵	
قدرت نظامی و دفاعی	۴/۳۰	۰/۵۸	۳	۵	
تسلط بر تنگه‌های استراتژیک	۴/۲۷	۰/۵۷	۳	۵	
زبان	۴/۱۵	۰/۳۶	۴	۵	
حضور در پیمان‌ها، اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی	۴/۱۵	۰/۶۲	۳	۵	
فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی	۴/۱۲	۰/۵۴	۳	۵	
حضور در فضا و تکنولوژی فضایی و ماهواره‌ای	۴/۱۲	۰/۷۴	۳	۵	
هنر و ظرفیت‌های هنری	۳/۹۱	۰/۳۸	۳	۵	
مذهب و ایدئولوژی	۳/۸۵	۰/۶۲	۳	۵	

آزمون آنالیز واریانس با تکرار مشاهدات نشان داد که میانگین نمره تأثیر مؤلفه‌های گوناگون مذکور در جدول شماره ۳ در عمق استراتژیک کشورها از نظر اعضای هیات علمی با یکدیگر تفاوت معنادار داشت ($P < ۰/۰۰۱$). همان‌گونه که در جدول مشخص است بیشترین میزان تأثیر در عمق استراتژیک کشورها مربوط به مؤلفه‌های قدرت علمی و فناوریانه (۴/۷۹)، موقعیت جغرافیایی (۴/۵۸)، موقعیت ترانزیتی (۴/۵۲) و موقعیت ژئوپلیتیکی (۴/۴۸) بوده و کمترین میزان تأثیر مربوط به مؤلفه‌های مذهب و ایدئولوژی (۳/۸۵) و هنر و ظرفیت‌های هنری (۳/۹۱) بود.

جدول ۴-۵ مقایسه تأثیر مؤلفه‌های گوناگون بر عمق استراتژیک کشورها با استفاده از آزمون فریدمن

Mean rank	خیلی زیاد		زیاد		تا حدی		کم		خیلی کم		مؤلفه
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶/۵۵	۱۵/۲	۵	۸۴/۸	۲۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	زبان
۵/۳۰	۱۲/۱	۴	۶۰/۶	۲۰	۲۷/۳	۹	۰	۰	۰	۰	مذهب و ایدئولوژی
۴/۹۱	۳	۱	۸۴/۸	۲۸	۱۲/۱	۴	۰	۰	۰	۰	فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی
۶/۵۸	۲۱/۲	۷	۶۹/۷	۲۳	۹/۱	۳	۰	۰	۰	۰	گفتمان‌های جهان‌شمول
۷/۷۶	۴۵/۵	۱۵	۴۲/۴	۱۴	۱۲/۱	۴	۰	۰	۰	۰	هنر و ظرفیت‌های هنری
۶/۴۷	۲۷/۳	۹	۶۰/۶	۲۰	۱۲/۱	۴	۰	۰	۰	۰	حضور در پیمان‌ها، اتحادهای منطقه-ای و جهانی
۹/۳۹	۶۳/۶	۲۱	۳۰/۳	۱۰	۶/۱	۲	۰	۰	۰	۰	موقعیت جغرافیایی
۸/۶۷	۴۸/۵	۱۶	۵۱/۵	۱۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	موقعیت ژئوپلیتیکی
۸/۸۲	۵۱/۵	۱۷	۴۸/۵	۱۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	موقعیت ترانزیتی
۷/۶۴	۳۳/۳	۱۱	۶۰/۶	۲۰	۶/۱	۲	۰	۰	۰	۰	تسلط بر تنگه‌های استراتژیک
۱۰/۶۴	۷۸/۸	۲۶	۲۱/۲	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	قدرت علمی و فناوریانه
۷/۹۱	۳۹/۴	۱۳	۵۴/۵	۱۸	۶/۱	۲	۰	۰	۰	۰	ظرفیت‌های ژئواکونومیک و مناسبات اقتصادی
۶/۶۱	۳۳/۳	۱۱	۴۵/۵	۱۵	۲۱/۲	۷	۰	۰	۰	۰	حضور در فضا و تکنولوژی فضایی و ماهواره‌ای
۷/۷۷	۳۶/۴	۱۲	۵۷/۶	۱۹	۶/۱	۲	۰	۰	۰	۰	قدرت دفاعی و نظامی

آزمون فریدمن نشان داد که میزان تأثیر مؤلفه‌های گوناگون مذکور در جدول شماره ۱۰ در عمق استراتژیک کشورها از نظر اعضای هیات علمی با یکدیگر تفاوت معنادار داشت ($P < ۰/۰۰۱$). بر اساس mean rank های به دست آمده بیشترین تأثیر مربوط به مولفه‌های قدرت علمی و فناوریانه، موقعیت جغرافیایی، موقعیت ترانزیتی و موقعیت ژئوپلیتیکی بوده و کمترین تأثیر مربوط به مولفه‌های فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی و مذهب و ایدئولوژی بود.

از دیدگاه اعضای هیئت علمی، قدرت علمی، تکنولوژیکی و فناوریانه به عنوان مولفه‌ای با بیشترین تأثیر در تقویت عمق استراتژیک کشورها شناخته شده است. این نتیجه منعکس کننده اهمیت رو به

افزایش دانش و فناوری در دنیای امروز است. کشورهایی که در تولید علم و فناوری پیشرو هستند، به طور مستقیم و غیرمستقیم نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی گسترش می‌دهند.

رابطه عمق استراتژیک کشورها و هوش مصنوعی

در حال حاضر، بیشتر تحقیقات و کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه هوش مصنوعی محدود متمرکز شده است، اما پیشرفت‌های سریع در این زمینه، احتمال تحقق مراحل بالاتر هوش مصنوعی را در آینده نزدیک افزایش می‌دهد (Mittal: 2020).

ظهور فناوری و رویکردهای مرتبط با آن، تغییراتی را در تمام ساحات بشری به وجود آورده که نظام بین‌الملل نیز از آن مستثنی نبوده است. در میان انواع فناوری‌ها، فناوری‌های نوظهور با ویژگی‌های خود تأثیرات مهمی را در موضوعات بین‌المللی داشته و تغییراتی را در مناسبات کنشگران سپهر سیاسی ایجاد نموده‌اند. در میان انواع فناوری‌های نوظهور، «هوش مصنوعی» به دلیل قابلیت‌های خود با استقبال بیشتری مواجه گردیده است (Ahmadi et al.: 2023: 1).

می‌توان ادعان داشت که هوش مصنوعی در حال تغییر تعریف قدرت و امنیت ملی است. پیشرفت‌های سریع در حوزه هوش مصنوعی، به ویژه در زمینه تحلیل داده‌ها، یادگیری ماشین و اتوماسیون، به طور قابل توجهی بر عمق استراتژیک کشورها تأثیر گذاشته است.

به عبارت دیگر، هوش مصنوعی در حال تغییر نحوه تفکر ما در مورد قدرت و امنیت ملی است. کشورهایی که بتوانند از هوش مصنوعی به بهترین نحو استفاده کنند، می‌توانند در حوزه‌های مختلفی مانند نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی برتری پیدا کنند. هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی به دلیل گسترش قابلیت‌های دسته‌های تسلیحاتی موجود، موجب تغییر در گزینه‌های استراتژیک و تاکتیکی بازیگران خواهد شد. هوش مصنوعی نه تنها می‌تواند تسلیحات متعارف را با دقت بیشتری هدف قرار دهد، بلکه قادر است آن تسلیحات را با روش‌های جدید هدف بگیرد. تسلیحات سایبری مجهز به هوش مصنوعی با بررسی مقادیر زیادی از اطلاعات می‌توانند یاد بگیرند چگونه به سیستم دفاعی نفوذ کنند بدون اینکه انسان‌ها از نقصان‌های نرم افزار که امکان نفوذ را میسر می‌کند باخبر شوند (Shahmohammadi Azar: 2023).

هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری متحول‌کننده، در حال تغییر بنیادی در تمامی جنبه‌های زندگی بشری است. یکی از حوزه‌هایی که به شدت تحت تأثیر هوش مصنوعی قرار گرفته است، حوزه سیاست و استراتژی است.

حال با توجه به عناصر اصلی تعریف پیشنهادی عمق استراتژیک (فضای جغرافیایی، کنترل فرایندها، فرآوری ظرفیت‌ها و بقا و امنیت ارزش‌های حیاتی) می‌توان تاثیر عمق استراتژیک را بر اجزای آن بررسی کرد؛

الف- فضای جغرافیایی: هوش مصنوعی با قابلیت پردازش کلان‌داده و استخراج الگوهای پیچیده، تحولی بنیادین در ادراک، مدیریت و بهره‌برداری از فضای جغرافیایی ایجاد کرده است. در بُعد مستقیم، تحلیل داده‌های سنجش از دور و حسگرهای توزیع‌شده توسط الگوریتم‌های هوشمند، امکان پایش تغییرات محیطی، پیش‌بینی سوانح طبیعی و بهینه‌سازی تخصیص منابع را با دقت و مقیاس‌پذیری بی‌سابقه‌ای فراهم می‌آورد. از منظر غیرمستقیم نیز، توسعه سیستم‌های ناوبری خودمختار و مفهوم شهرهای هوشمند، وابستگی فضایی سنتی را تقلیل داده و کارکردهای جغرافیایی را دستخوش تغییر می‌کند. جغرافیا در عصر هوش مصنوعی، از محدودیت مکان‌های فیزیکی فراتر رفته و شامل داده‌ها، الگوریتم‌ها و شبکه‌های محاسباتی می‌گردد که تعاملات انسان-محیط را به طور اساسی تحت تأثیر قرار می‌دهند. این امر، ضرورت بازاندیشی در چارچوب‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی را در عصر هوشمندسازی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

ب- کنترل فرایندها و فرآوری ظرفیت‌های کشور: می‌توان گفت هوش مصنوعی با دگرگونی کنترل فرایندهای سنتی به رویکرد هوشمند مبتنی بر داده و خودکارسازی، عمق استراتژیک را از طریق افزایش دقت، سرعت و انعطاف‌پذیری در مدیریت منابع و تهدیدات تقویت می‌کند. در حوزه فرآوری ظرفیت‌ها نیز، هوش مصنوعی با شناسایی هوشمندانه منابع خفته، بهینه‌سازی کارآمد ظرفیت‌های موجود و خلق ظرفیت‌های استراتژیک نوین در فضای دیجیتال، امکان رشد تصاعدی توانمندی‌های کشور را فراهم می‌آورد. این امر، وابستگی صرف به جغرافیا و منابع طبیعی را کاهش داده و ظرفیت جذب و توسعه فناوری‌های هوشمند را به مؤلفه‌ای کلیدی در عمق استراتژیک تبدیل می‌کند. بنابراین کشوری که بتواند با بهره‌گیری هوشمندانه از هوش مصنوعی در کنترل فرایندها و فرآوری ظرفیت‌های سرزمینی، توانمندی‌های خود را به طور

ترکیبی ارتقا دهد، به عمق استراتژیک پایدار دست خواهد یافت و در این شرایط، عمق استراتژیک دیگر صرفاً به وسعت جغرافیایی یا منابع طبیعی محدود نیست، بلکه به ظرفیت یک کشور در جذب، تطبیق و توسعه فناوری‌های هوشمند وابسته است.

ج- بقا و امنیت ارزش‌های حیاتی: هوش مصنوعی با تحلیل کلان‌داده‌های جغرافیایی، اجتماعی و امنیتی، پیش‌بینی دقیق‌تر تهدیدات و افزایش تاب‌آوری ملی را ممکن می‌سازد. این فناوری، امنیت ملی را از مرزهای فیزیکی به فضای سایبری گسترش داده و امکان رصد و واکنش به تهدیدات پیچیده را در هر دو حوزه فراهم می‌کند. از نگاهی دیگر هوش مصنوعی با بهینه‌سازی مصرف و تخصیص منابع حیاتی، امنیت اقتصادی را تقویت کرده و با تحلیل محتوای فرهنگی، در برابر تحریف‌ها و جنگ شناختی از ارزش‌های معنوی محافظت می‌کند که در نتیجه باعث حفظ و ارتقای ارزش‌های حیاتی یک کشور خواهد شد.

در جدول زیر نیز تلاش شده است تا با نگاهی دقیق‌تر برخی از مهم‌ترین فرصت‌هایی که هوش مصنوعی برای افزایش عمق استراتژیک کشورها ایجاد می‌کند، به صورت خلاصه و طبقه‌بندی شده ارائه شود.

پایام‌ها برای عمق استراتژیک کشورها	فرصت‌های هوش مصنوعی	حوزه
شناسایی الگوها و روندها، پیش‌بینی تهدیدات، تصمیم‌گیری آگاهانه	تحلیل حجم عظیم داده‌ها	تحلیل اطلاعات و پیش‌بینی رویدادها
شبیه‌سازی سناریوهای آینده، انتخاب بهترین استراتژی‌ها	مدل‌سازی پیش‌بینی	
پردازش سریع اطلاعات، ارائه پیشنهادات به فرماندهان	تصمیم‌گیری سریع و دقیق	فرماندهی و کنترل
ایجاد شبکه‌های ارتباطی هوشمند، هدایت یکپارچه نیروها	هماهنگی نیروهای نظامی	
شناسایی و هدف‌گیری خودکار تهدیدات	سلاح‌های خودمختار	سیستم‌های دفاعی
تشخیص و دفع حملات سایبری پیچیده	سیستم‌های دفاع سایبری	
تشخیص سریع بحران‌ها، تخصیص بهینه منابع	پاسخ سریع به بحران‌ها	مدیریت بحران
افزایش بهره‌وری در صنایع مختلف، رشد اقتصادی	بهبود بهره‌وری	اقتصاد و زیرساخت‌ها
استفاده بهینه از زیرساخت‌های موجود	بهینه‌سازی زیرساخت‌ها	
کمک به دیپلمات‌ها در اتخاذ تصمیمات بهتر	تحلیل احساسات عمومی	دیپلماسی
هوش مصنوعی می‌تواند در ترجمه زبان‌ها، تحلیل اسناد و تهیه پیش‌نویس توافق‌نامه‌ها به دیپلمات‌ها کمک کند.	تسهیل مذاکرات	

جدول ۱: تأثیرات هوش مصنوعی بر عمق استراتژیک

در عصر حاضر، هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری تحول‌آفرین، در حال بازتعریف مفاهیم بنیادین ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل است. این فناوری با ایجاد تغییرات ساختاری در مؤلفه‌های قدرت ملی، عمق استراتژیک کشورها را از حالتی صرفاً جغرافیایی-نظامی به مفهومی چندبعدی و فناورانه تبدیل کرده است. در بعد نظامی، هوش مصنوعی با ایجاد سیستم‌های خودکار تصمیم‌گیری، پهپادهای هوشمند و سایبردفاع پیشرفته، عمق دفاعی کشورها را به شدت افزایش داده است. نمونه بارز این تحول، کاربرد الگوریتم‌های یادگیری عمیق در شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی است که امکان واکنش سریع‌تر و هوشمندانه‌تر را فراهم می‌آورد. از منظر اقتصادی، هوش مصنوعی با بهینه‌سازی زنجیره تأمین، پیش‌بینی بازارهای جهانی و توسعه صنایع دانش‌بنیان، عمق اقتصادی کشورها را تقویت می‌کند. در حوزه نفوذ اطلاعاتی و دیپلماسی عمومی، الگوریتم‌های هوش مصنوعی با تحلیل کلان‌داده‌ها و تولید محتوای هدفمند، امکان تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی را فراهم کرده‌اند. این امر به کشورها اجازه می‌دهد بدون نیاز به گسترش فیزیکی قلمرو، نفوذ استراتژیک خود را افزایش دهند. با این حال، این تحولات چالش‌های جدیدی نیز ایجاد کرده است، از جمله افزایش شکاف دیجیتال بین کشورها و خطر وابستگی فناورانه به قدرت‌های دارای برتری در حوزه هوش مصنوعی. در نتیجه، در جهان امروز که «قدرت هوشمند» جایگزین پارادایم‌های سنتی قدرت شده است، کشوری می‌تواند عمق استراتژیک واقعی داشته باشد که از یک سو بتواند به نوآوری در حوزه هوش مصنوعی دست یابد و از سوی دیگر، زیرساخت‌های لازم برای بومی‌سازی و توسعه این فناوری را ایجاد کند. آینده توازن قوا در نظام بین‌الملل به شدت تحت تأثیر توانایی کشورها در مدیریت این تحول فناورانه خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

عمق استراتژیک در عصر حاضر، مفهومی فراتر از مرزهای جغرافیایی و توان نظامی است. با ظهور فناوری‌های نوین، به ویژه هوش مصنوعی، این مفهوم به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. هوش مصنوعی با تحول در حوزه‌های مختلف از جمله نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی،

فرصت‌های جدیدی را برای افزایش قدرت و نفوذ کشورها ایجاد کرده است. از سوی دیگر، این فناوری تهدیداتی مانند تسلیحات خودمختار، جنگ سایبری و گسترش اطلاعات نادرست را نیز به همراه داشته است. در کنار هوش مصنوعی، تغییرات اقلیمی، رقابت‌های بزرگ قدرت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی نیز به عنوان تهدیدات جدی برای عمق استراتژیک شناخته می‌شوند. برای مقابله با این چالش‌ها و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها، کشورها باید به توسعه همه جانبه، سرمایه‌گذاری در فناوری، تقویت دیپلماسی عمومی، توجه به امنیت سایبری و همکاری‌های بین‌المللی بپردازند. در نهایت، عمق استراتژیک یک مفهوم پویا و چندبعدی است که به طور مداوم در حال تغییر و تحول است و کشورها باید با تطبیق خود با این تغییرات، آینده‌ای روشن‌تر برای خود رقم بزنند. از طرفی هوش مصنوعی و شکاف دیجیتال جهانی یکی از چالش‌های اساسی در عرصه مسائل ژئوپلیتیکی است. این فناوری نوظهور، در حالی که فرصت‌های بی‌نظیری را برای توسعه و پیشرفت ایجاد می‌کند، می‌تواند به شکافی عمیق‌تر بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه منجر شود. تخمین‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۳۰، کشورهای پیشرو در حوزه هوش مصنوعی مانند ایالات متحده و چین، سهم عمده‌ای از مزایای اقتصادی ناشی از این فناوری را به خود اختصاص خواهند داد. در مقابل، کشورهای در حال توسعه که به دلیل کمبود زیرساخت‌ها، منابع مالی و نیروی انسانی متخصص، در پذیرش و توسعه هوش مصنوعی با چالش‌های جدی مواجه هستند، از این مزایا محروم خواهند ماند. این شکاف دیجیتال نه تنها بر رشد اقتصادی، بلکه بر قدرت سیاسی و نفوذ بین‌المللی کشورها نیز تأثیرگذار خواهد بود. مسابقه تسلیحاتی هوش مصنوعی نیز یکی دیگر از نگرانی‌های جدی در این حوزه است. رقابت شدید بین قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده و چین، برای تسلط بر فناوری هوش مصنوعی و تبدیل آن به ابزاری برای کسب برتری نظامی و اقتصادی، می‌تواند به ایجاد یک مسابقه تسلیحاتی جدید منجر شود. توسعه سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار، استفاده از هوش مصنوعی در جنگ سایبری و جمع‌آوری اطلاعات، از جمله تهدیدات بالقوه‌ای هستند که در سایه این رقابت افزایش می‌یابند. تأثیر هوش مصنوعی بر روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک فراتر از ابعاد اقتصادی و نظامی است. این فناوری می‌تواند به طور اساسی روابط ژئوپلیتیکی را تغییر داده و موضوعات جدیدی را در

دستور کار بین‌المللی قرار دهد. برای مثال، هوش مصنوعی می‌تواند در حوزه دیپلماسی و مذاکرات، به عنوان ابزاری برای تحلیل داده‌ها، پیش‌بینی رفتار طرف مقابل و اتخاذ تصمیمات بهتر مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، این فناوری می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را در حوزه حقوق بشر ایجاد کند. از یک سو، هوش مصنوعی می‌تواند برای ارتقای حقوق بشر و عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد؛ از سوی دیگر، ممکن است به نقض حریم خصوصی، تبعیض و ایجاد نابرابری‌های بیشتر منجر شود. نتیجه‌گیری این است که هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری دو لبه، هم فرصت‌ها و هم تهدیدات بزرگی را برای روابط بین‌الملل به همراه دارد. کشورهایی که بتوانند به سرعت خود را با این تحولات وفق داده و از پتانسیل‌های هوش مصنوعی به نحو مطلوب بهره‌برداری کنند، در آینده با فرصت‌های بیشتری روبه‌رو خواهند بود. با این حال، برای جلوگیری از عواقب نامطلوب این فناوری، همکاری بین‌المللی و تدوین قوانین و مقررات مناسب در سطح جهانی ضروری است.

1. Abbasi, E., Talebi, S., & Nejat, S. A. (2015). **The Strategic Importance of the Strait of Hormuz in Comparison to International Straits of the World.** *Political Research*, 5(2), 8-23. [in Persian]
2. Acar, A. Z. Bentyn, Z. Kocaoglu, B. (2015). **Turkey as a Regional Logistic Hub in Promotion of Reviving Ancient Silk Route between Europe and Asia.** *Journal of Management Marketing and Logistics*, 2(2), 94-94.
3. Adajian, T. (Spring 2022 Edition). **The Definition of Art.** *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Edward N. Zalta (ed.). URL = <https://plato.stanford.edu/archives/spr2022/entries/art-definition/>.
4. Afshordi, M. H., & Naderi, S. (2020). **Identifying the Most Scientific Requirements for Increasing Deterrence Using Fossil Energy Transit Management in a Region.** *Strategic Defense Studies Quarterly*, 18(80), 5-22. [in Persian]
5. Ahmadi, A., Zargar, A., & Adami, A. (2023). **Artificial Intelligence Technology and Transformations in National Security of States.** *Defense Policy*, 32(123), 39-64. [in Persian]
6. Arnold, J. (2006). **Best Practices in Management of International Trade Corridors.** *TRANSPORT PAPERS, THE WORLD BANK GROUP*.
7. Ayyoubi, H. (2001). **Components of the Political Discourse of the Islamic Revolution.** *Andisheh Enghelab Eslami (Islamic Revolution Thought)*, Pre-issue 1. [in Persian]
8. Badii Azandahi, M., & Golafshan, A. (2012). **The Role of Politics and Power on the Influence of Persian Language in the National Identity of the People of the Republic of Tajikistan.** *Khorasan Bozorg Research Journal*, 3(6). [in Persian]
9. Bagheri, M., Basiri, M. A., & Yazdani, E. (2024). **Factors Affecting the Strategic Alliance of the Islamic Republic of Iran and Syria in the 1980s.** *Ofogh-e Amniat (Security Horizon) Quarterly*, 17(62), 93-136. [in Persian]
10. Bagheri, M., Omid, A., & Yazdani, E. (2021). **The Impact of the Resistance Axis on the Strategic Depth of the Islamic Republic of Iran.** *Quarterly Journal of Islamic World Political Studies*, 10(2). [in Persian]
11. Cropsey, S. (2014). **Strategic Depth & Israel's Maritime Strategy: Seth Cropsey on the Future of Israeli Seapower.** <https://www.hudson.org/national-security-defense/strategic-depth-israel-s-maritime-strategy>
12. Dary Varnosfaderani, M., Sanaei, A., Soltani, A., & Kabak Kheibari. (2022). **The Role of Space in the International Competition of Great Powers.** *Iranian Journal of International Politics*, Year 10, Issue 2, pp. 79-99. [in Persian]
13. De Vera, T. (2022). **How Language Influences Our Way of Thinking.** Available at: <https://www.gofluent.com/us-en/blog/how-language-affects-thinking-infog/>
14. Demirel Irfan, N., & Altintasb, O. (2012). **Relationship between Art and Politics.** *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 51, 444-448.
15. Dolatabadi, S. M. R. S., & Jalilvand, M. R. (2015). **Dynamic Analysis of the Causes of Future Wars Using System Dynamics Approach.** *Strategic Defense Studies Quarterly*, 59, 49-71. [in Persian]

16. Eftekhari, A. (2008). **Soft Power**. Tehran: Basij Research Institute for Studies and Research & Imam Sadiq University. [in Persian]
17. Elefteriu, G. (2023). **Why Alliances Matter**. Available at: <https://www.geostrategy.org.uk/research/why-alliances-matter>
18. Eltiami Nia, R., & Taghavai Nia, A. (2016). **Explaining the Role and Position of Soft Power in Achieving Domestic and Foreign Policy Goals**. *Quarterly Journal of Islamic World Political Research*, 3, 167-196. [in Persian]
19. Elstain, J. B. (2004). **Military Intervention and Justice as Equal Regard**. In R. Seiple & D. Hoover (Eds.), *Religion and Security; The New Nexus in International Relations*. New York: Rowman & Littlefield.
20. EUGENE RUMER, R. S. (2020). **Etched in Stone: Russian Strategic Culture and the Future of Transatlantic Security**. Available at: <https://carnegieendowment.org/2020/09/08/etched-in-stone-russian-strategic-culture-and-future-of-transatlantic-security-pub-82657>
21. Fibre2Fashion (2024). **Cultural Integrity in Fashion: Embracing Heritage and Sustainability in Design**. Available at: <https://www.linkedin.com/pulse/cultural-integrity-fashion-embracing-heritage-sustainability-hdbvf/>
22. Forghani, M. M. (2003). **The Long Road of Transition**. Tehran: Farhang va Andisheh, First Edition, p. 62. [in Persian]
23. Friedman, G. (2020). **Russia's Search for Strategic Depth**. <https://geopoliticalfutures.com/russias-search-for-strategic-depth/>
24. Galustian, A., & Hosseini, Z. (2023). **The Art of Diplomacy and Art Diplomacy and Its Economic Effects on Countries**. Available at: <https://jahanasanat.ir/?p=425475>. [in Persian]
25. Garnett, J. (1987). **Defense Policy Making**. In J. Baylis et al. (Eds.), *Contemporary Strategy II*. New York: Holmes & Meier.
26. **Geopolitics at the movies From The Great Dictator to Barbie**. (2023). Available at: <https://www.geopoliticaldispatch.com/p/geopolitics-at-the-movies>
27. Gray, C. S. (2006). **Out of the Wilderness: Prime-time for Strategic Culture**. Advanced Strategic Planning and Analysis Support Contract with the National Institute for Public Policy, United States: National Institute for Public Policy.
28. GRipley, C. (2017). **Discourse in Foreign Policy**. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228637.013.411>
29. Guardado, M. (2018). **Discourse, Ideology and Heritage Language Socialization**, University of Alberta, Canada. https://www.researchgate.net/publication/260793117_Discourse_Ideology_and_Heritage_Language_Socialization_Micro_and_Macro_Perspectives
30. Hafeznia, M. R. (2006). **Principles and Concepts of Geopolitics**. Mashhad: Papli Publications. [in Persian]
31. Hafeznia, M. R. (2010). **How a Geopolitical Region Develops?** *International Geopolitics Quarterly*, 6(1), Spring. [in Persian]
32. Hafeznia, M. R., & Ghaderi Hajt, M. (2010). **Explaining the Geopolitical Position of Eastern Iran in Regional Systems with an Emphasis on Khorasan**. *Khorasan Bozorg Research Journal*, 1(1). [in Persian]
33. Hafeznia, M. R., Ahmadi, S., & Hurkad, B. (2012). **Explaining the Structural and Functional Characteristics of Buffer Geographical Spaces**. *International Geopolitics Quarterly*. [in Persian]

34. Hafeznia, M. R., & Roumina, E. (2017). **The Impact of Iran and Saudi Arabia's Geopolitical Interests on Regional Challenges in Southwest Asia.** *Geographical Research Quarterly*, 32(2): 9-20. [in Persian]
35. Halliday, F. (2005). **The Middle East in International Relations; Power, Politics and Ideology.** Cambridge: Cambridge University Press.
36. James Andrew Lewis (2022). **Technology and Power.** Available at: <https://www.csis.org/analysis/technology-and-power>.
37. Juliana M Zannotto (2020). **The role of discourses in enacting neoliberal urbanism: Understanding the relationship between ideology and discourse in planning.** *Planning Theory*, 19(1), 104–126.
38. Kamal Ara, S. M. (2021). **National Prestige and Credibility Supported by Elements of Power and Ideology.** Available at: <https://snn.ir/fa/news/969709/>. [in Persian]
39. Kazemi, M. (2012). **Depth Defense Strategy Based on the Defense Culture of the Islamic Republic of Iran, Grounded in the Thought and Opinion of Imam Khamenei (May his shadow be extended).** *National Conference on Explaining the Defense Thought of Imam Khamenei (May his shadow be extended)*. [in Persian]
40. Kaya, K. (2020). **A Look Back and Forward at Turkey's Strategic Depth Foreign Policy Doctrine.** *FOREIGN MILITARY STUDIES OFFICE*.
41. Khaleghinejad, M. (2022). **Hollywood Politics.** Available at: <https://ascender.ir/1401/06/16/3>. [in Persian]
42. Khaniha, N., & Pishgahifar, Z. (2009). **Interactions of Power, Politics, and Geography in the World's Important Straits.** *Geographical Territory Quarterly, Scientific-Research*, 6(21). [in Persian]
43. Kim, J. (2009). **Cultural Dimensions of Strategy and Policy.** <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/>
44. Lucius, C. (2013). **Religion and the National Security Strategy.** *Journal of Church and State*, 55(1), 50–70.
45. Lino HEIDBRINK and Marion noel (2024). **Hollywood, the epitome of the United States' global power.** Available at: <https://classe-internationale.com/2024/02/24/hollywood-the-epitome-of-the-united-states-global-power/>
46. Mannheim, K. (1971). **The Ideology and Sociological Interpretation of Intellectual.**
47. Martin Guardado (2018). **Discourse, Ideology and Heritage Language Socialization,** University of Alberta, Canada. https://www.researchgate.net/publication/260793117_Discourse_Ideology_and_Heritage_Language_Socialization_Micro_and_Macro_Perspectives
48. Matthews, R., & Anicetti, J. (2024). **The role of defence countertrade in Chinese geoeconomic diplomacy.** *Journal of Strategic Studies*, 1–31. <https://doi.org/10.1080/01402390.2024.2327842>.
49. Mirzayi Tabar, M. (2014). **The Strait of Hormuz and its Strategic Role Throughout History.** *Persian Gulf Studies*, 1, Winter. [in Persian]
50. MokhtariHashi, H. (2018). **Explaining the Concept of Geoeconomics and Recommendations for Iran.** *Geopolitics Quarterly*, 14(50), 56-82.
51. Motaghi, E. (2008). **Smart Power and the Strategy of Changing America's Face during Obama's Era.** *Basij Studies*, No. 4. [in Persian]
52. Motaghi, E. (2021). **Correlations of National Interests and Ideology in Foreign Policy.** Available at: <https://khl.ink/f/40210>. [in Persian]

53. Mrs.B.PADMA (2023). **The Role of Fashion in Social Movement and Political Activism**. Available at: <https://www.linkedin.com/pulse/role-fashion-social-movement-political-activism-b-sc-cdf-npxrc/>
54. Naghibzadeh, A. (1999). **The Impact of National Culture on Foreign Policy: The Case of the Islamic Republic of Iran**. *Foreign Policy Journal*, 13(3). [in Persian]
55. Nayef Al-Rodhan (2015). **Strategic Culture and Pragmatic National Interest**. Available at: <https://www.globalpolicyjournal.com/blog/22/07/2015/strategic-culture-and-pragmatic-national-interest>.
56. Öztürk, N., & Meral, U. (2010). **Bölgesel Kalkınma Dinamikleri: Bölgesel Dengesizliklerin Ortaya Çıkmasında Rol Oynayan İktisadi Etmenler**. *Cumhuriyet Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Dergisi*, 11(2), 91-110.
57. Park, J. (2014). **Space Technology Development: Effects on National Security and International Stability**. The Asan Institute for Policy Studies. Available at: <http://en.asaninst.org/wp-content/themes/twentythirteen/action/dl.php?id=29019>
58. Paul Coyer (2023). **Why Religion Matters in Central and Eastern Europe**. Available at: <https://nationalinterest.org/feature/why-religion-matters-central-and-eastern-europe-206448>.
59. Polykalas, A. S. (2024). **The Perils of Ignoring Space Technologies in National Security and Defense**. Available at: <https://www.linkedin.com/pulse/perils-ignoring-space-technologies-national-security-athanassios-qz2if/>
60. Pourhassan, N. (2017). **The Genesis of Iran's Smart Strategic Depth in the Middle East**. *Political Science*, 79, 75-102. [in Persian]
61. Pourshirmohammadi, A., & Hedayati, M. R. (2024). **The Military Strategy of the United Arab Emirates and Its Impact on the Defense-Military Security of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf Region**. *Ofogh-e Amniat (Security Horizon) Quarterly*, 17(65), 179-143. [in Persian]
62. Rajabi, V., Zolghadr, M., & Jaafari Payinadi, S. F. (2023). **Iran's Power Balance Policy in Persian Gulf Security Networking**. *Ofogh-e Amniat (Security Horizon) Quarterly*, 16(61), 37-69. [in Persian]
63. Ramazani, S. (2021). **The Middle East and Geopolitical Competitions in Space**. *Iranian Diplomacy Website*. [in Persian]
64. Rashid, G. A., Pourdastan, A. R., & Rezaei, M. (2021). **Factors and Characteristics of the Fourth Generation of Wars Affecting the Future Battlefield**. *Strategic Defense Studies Quarterly*, 19(83), 159-184. [in Persian]
65. Rezaei Arjeroudi, A. R., Tasbihi, A., & Shahni Dezfoolian, R. (2016). **Investigating the Role of Maritime Transport Transit on the Economic Growth of the Country's Transport Sector**. *18th Marine Industries Conference*. Kish: Iranian Marine Engineering Association. [in Persian]
66. Roshandel, J. (2005). **National Security and the International System**. Tehran: SAMT Publications. [in Persian]
67. Roumina, E., & Bidar, M. T. (2018). **The Impact of U.S. Strategy on Kurdistan Region of Iraq Developments from 1971 to 2014**. *International Geopolitics Quarterly*, 14(50), 1-2. [in Persian]
68. Sabbaghian, A. (2007). **What is Diplomacy?** Available at: <https://www.hamshahrionline.ir/news/28738>. [in Persian]
69. Safavi, S. Y. (2021). **Geopolitics and Geostrategy of the Islamic World**. Tehran: SAMT Publications. [in Persian]
70. Sajjadpour, S. M. K. (2023). **Transformation of the Nature of Power with Technology**. Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2019617>. [in Persian]

71. Salehabadi, R. (2020). **Optimizing the Model for Measuring National Power of Countries**. PhD Dissertation in Political Geography, Tarbiat Modares University. [in Persian]
72. Sarabi Torbat Heydarieh, M., Mohammadi, H. R., & Mehrabi, A. R. (2023). **Explaining the fundamental geopolitical components affecting foreign policy using the fuzzy Delphi technique**. *Political Geography Research*, 8(4), 117-141. doi: 10.22067/pg.2023.83227.1221. [in Persian]
73. Sayyadi, H., & Sanai, A. (2017). **Geopolitical Factors Affecting the Shift in Iran's Foreign Policy Orientation from West to East with Emphasis on Russia from 1991 to 2016**. *International Relations Studies*, 39(10), 83-117. [in Persian]
74. Seifi, A. M., & Pourhassan, N. (2018). **ISIS and the Emergence of Threat Balance in Iran-Iraq Relations**. *International Relations Studies*, 41(11), 37-63. [in Persian]
75. Shahrmoammadi Azar, H. (2023). **Artificial Intelligence and its Future Implications on National Security Issues**. Available at: <https://iranthinktanks.com/artificial-intelligence-and-its-future-implications-on-national-security-issues/>. [in Persian]
76. Shakeri, S. R. (2019). **Communicative Functions of Language in the Political Leadership of Imam Khomeini (RA) and its Human and Spiritual Dimensions**. *Matineh Research Journal*, 21(83), 23-39. [in Persian]
77. Shohamy, E. (2006). **Language Policy**. New York: Routledge.
78. Simons, D. M., & Fennig, G. F. (Eds.). (2024). **Ethnologue: Languages of the World** (27th ed). Dallas, Texas: SIL International.
79. Soltani, A. A. (2005). **Power, Discourse and Language: Mechanisms of Power Flow in the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Ney Publications. [in Persian]
80. Strange, S. (1995). **Rethinking Structural Change in the International Political Economy: State, Firm and Diplomacy**. In R. Stubbs & G. Underhill (Eds.), *Global Political Economy*. Canada: Cataloging in.
81. Taghizadeh, A. (1999). **The Impact of National Culture on Foreign Policy: The Case of the Islamic Republic of Iran**. *Foreign Policy Journal*, 13(3). [in Persian]
82. Torreblanca, J. I. (2022). **Technology, Great Powers Have Realized That Access to New Technologies Can Be Critical to Their Sovereignty**. Available at: <https://ecfr.eu/special/power-atlas/technology/>.
83. Vaughan, D. A. (2019). **Between Art and Politics**. Posted 21 Feb 2019. <https://artuk.org/discover/stories/between-art-and-politics>
84. Wallerstein, E. (1998). **Politics and Culture in the World Transitive System**. Translated by P. Izadi. Ney Publication. [in Persian]
85. Wallerstein, I. (2011). **The Modern World-System IV: Centrist Liberalism Triumphant**. Berkeley: University of California Press.
86. Warschauer, M. (2007). **Language, Identity, and the Internet**. In B. Kolk (Ed.).
87. Weidokai, M. (2018). **The Importance of Strategic Depth?** Available at: <https://www.linkedin.com/pulse/importance-strategic-depth-michael-weidokai/>.
88. Wolfers, A. (1962). **Discord and Collaboration: Essays on International Politics**. Baltimore: The Johns Hopkins Press.
89. Yıldırım Keser, H. (2015). **Importance of Transport Corridors in Regional Development: The Case of TRACECA**. *Sosyoekonomi*, 23(24), 163-182. <https://doi.org/10.17233/se.96735>
90. Zarif, M. J. (2023). **Book Launch Ceremony for 'From Tehran to Hollywood'**. Available at: <https://www.jamahan.news>. [in Persian]

91. Zargar, A. (2010). **Space and National Security; Iran's Space Progress Strengthening National Security**. *Foreign Policy Quarterly*, 24(3), 677-709. [in Persian]
92. Zahraei, M. A. (2010). **Investigating the Concept of Culture**. *Resalat*, Year 25, January 3, No. 7170. [in Persian]
93. (No author/title given for Fashionology link: 2024). **Fashion Social Movements of the 19th-20th**. <https://fashionology.in/fashion-social-movements-of-the-19th-20th/>
94. (No author/title given for Ghalibaf & Pourmousavi: 2008). **Geopolitics and Foreign Policy**. *Geographical Research*, 66. [in Persian]

